

اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی
(مطالعه بین‌کشوری با رویکرد داده‌های تابلویی)

**Effect of Social Cohesion on Economic Development
(Cross-Country Study Using Panel Data Approach)**

Hoda Zobeiri*,
Zahra Karimi Moghari**

هدی زبیری*،
زهرا کریمی‌موغاری**

Received: 19/Oct/2013 Accepted: 9/Jan/2014

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۱/۰۹

Abstract:

The purpose of this paper is to combine two concepts of economy and society to analyze the economic development by a social approach. Social cohesion is the situation which all elements of society be joined in a manner that makes an effective union. In this research, the social cohesion index for 85 selected developed and developing countries during 2008-2010 are calculated using "equality of opportunity" and "social capital" components. Then the effect of social cohesion on economic development has been examined, using panel regression analysis. The findings show that social cohesion has a positive and significant effect on GDP per capita, technological innovation, effectiveness of government institutions, quality of development policies and finally political and social stability.

Keywords: Social Cohesion, Economic Development, Inequality of Opportunity, Social Capital.
JEL: O10, O57, P36.

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، ترکیب دو مفهوم اقتصاد و اجتماع و ریشه‌یابی توسعه اقتصادی از کانال انسجام اجتماعی است. انسجام اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، اجزای تشکیل‌دهنده جامعه، به گونه‌ای به یکدیگر وصل می‌شوند که یک کل معنادار و مؤثر را بوجود می‌آورند. این پژوهش، با استفاده از دو مؤلفه "برابری در توزیع فرصت‌ها" و "سرمایه اجتماعی" به برآورد شاخص انسجام اجتماعی در ۸۵ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ می‌پردازد. سپس با استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی اثر شاخص انسجام اجتماعی را بر ابعاد متفاوت توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از اثر مثبت و معنادار انسجام اجتماعی بر رشد تولید سرانه، نوآوری‌های فنی، اثربخشی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه و در نهایت ثبات سیاسی و اجتماعی است.

کلمات کلیدی: انسجام اجتماعی، توسعه اقتصادی، نابرابری در توزیع فرصت‌ها، سرمایه اجتماعی.

طبقه‌بندی JEL: P36, O57, O10

* Assistant Professor of Economics, Department of Economics, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran (Corresponding Author). Email: h.zobeiri@umz.ac.ir
** Assistant Professor of Economics, Department of Economics, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. Email: zakarimi@umz.ac.ir

* استادیار اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

Email: h.zobeiri@umz.ac.ir

** استادیار اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران

Email: zakarimi@umz.ac.ir



۱- مقدمه

ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی و مطرح شدن مباحثی مانند سرمایه اجتماعی، مشارکت، حکمرانی و جامعه مدنی در تحلیل فرایند تغییرات نهادی و توسعه اقتصادی شده است. الینور اوسترام - که همراه با الینور ویلیامسون برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۹ شده است - در این زمینه می‌گوید: «توسعه مهم در علم معمولاً در مرزهای رشته‌ها و هنگامی روی می‌دهد که محققان دو یا چند رشته علمی، سؤالات قدیمی را به شیوه‌ای جدید مورد توجه قرار می‌دهند» (اوسترام،^۷ ۲۰۰۷: ص ۲۴۰).

به دنبال این تحولات، از اواخر دهه ۱۹۹۰ متفاوت بودن درجه انسجام، ظرفیت بسیج و قابلیت هماهنگی گروه‌های اجتماعی متفاوت، به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل عملکرد متفاوت کشورها در راستای خلق نهادهای کارآمد و دست‌یابی به توسعه در مطالعات اقتصادی مطرح شد و مطالعات تجربی مختلفی نیز نقش انسجام اجتماعی در عملکرد اقتصادی را مورد تأیید قرار دادند.^۸ اما اکثر این مطالعات تنها از معیارهای معرف سرمایه اجتماعی به عنوان ملاک برآورد انسجام اجتماعی استفاده نمودند. برخی دیگر نیز تنها از شاخص‌های معرف نابرابری در توزیع درآمد برای برآورد انسجام اجتماعی استفاده نمودند. تنها تعداد اندکی از مطالعات به برآورد شاخص انسجام اجتماعی بصورت گسترده پرداخته‌اند. ضمن این که تمام مطالعات مذکور در نهایت، تنها به بررسی اثر انسجام اجتماعی بر نرخ رشد اقتصادی و یا بررسی همبستگی انسجام اجتماعی با برخی متغیرهای کلان اقتصادی پرداخته‌اند. به همین منظور در پژوهش حاضر، سعی شده است تا ضمن تبیین و بسط مفهوم انسجام اجتماعی و رابطه آن با توسعه اقتصادی، اثر شاخص انسجام اجتماعی (در مفهوم گسترده آن یعنی ترکیبی از دو شاخص سرمایه اجتماعی و نابرابری در توزیع فرصت‌ها) بر ابعاد متفاوت توسعه اقتصادی ۸۵ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه، مورد بررسی قرار گیرد. این مقاله در شش بخش تدوین شده است. پس از مقدمه فوق، مفهوم انسجام اجتماعی، مکانیسم اثربخشی انسجام اجتماعی

تداوم حیات کشورهای توسعه نیافته، قاعده‌ی حرکت تاریخ است و نه استثنا. با وجود میلیاردها دلار کمک و ساعات بسیار زیاد مشاوره، اکثر کشورها قادر نبوده‌اند به پیشرفت اجتماعی و رشد پایدار دست یابند. مطالعات و تحقیقات، به طور فزاینده، نشان داده‌اند که ضعف، فقدان یا فساد نهادها، ریشه‌های توسعه نیافتگی هستند و عملکرد متفاوت اقتصادها در طول زمان، اساساً متأثر از تغییر و تحول نهادهاست (شرلی^۱، ۲۰۰۸: ص ۱۶۵) اعطای جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۹ به دو تن از اندیشمندان برجسته نهادگرا^۲، گسترش مطالعات بین رشته‌ای در تمام دانشگاه‌های برتر جهان (سوا^۳، ۱۹۵۲: ص ۶۶۹) و ادعان بانک جهانی به این نکته که برای غلبه بر مشکلات کشورها باید به نهادها توجه کرد^۴، تحولاتی هستند که می‌توان آن‌ها را قدمی در راه درک بهتر مسائل کشورهای در حال توسعه دانست. بدین ترتیب، امروزه دیگر برای اقتصاددانان و سیاست‌گزاران این سوال مطرح نیست که آیا نهادها اهمیت دارند یا نه. اکنون این سؤال حائز اهمیت است که کدام نهادها مهم هستند و چگونه می‌توان آن‌ها را ایجاد، تغییر، تقویت و یا تعدیل کرد (رودریک^۵، ۲۰۰۰: ص ۲؛ ایوانس^۶، ۲۰۰۵: ص ۶۸). با وجود تلاش‌های فراوان انجام شده در راستای شناخت علل و فرایند شکل‌گیری نهادهایی که عملکرد مؤثر بازار را در کشورهای کمتر توسعه یافته ممکن سازند؛ از قبیل حقوق مالکیت، دموکراسی، آزادی‌های مدنی و مبارزه با فساد، همچنان، بسیاری از کشورها قادر به خلق و حمایت از این نهادها نیستند. بر اساس رویکرد نهادگرایان، مهم‌ترین علت عدم موفقیت اصلاحات نهادی در کشورهای در حال توسعه، وجود محدودیت‌های اجتماعی عمده در این کشورهاست. گسترش مطالعات در این زمینه، موجب پیوند مجدد اقتصاد با

1. Sherly (2008)

2. Elinor Ostrom & Oliver E. Williamson

3. Swaine

4. بانک جهانی در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۱۱ (World Development Report 2011) با عنوان "تعارضات، امنیت و توسعه" بر لزوم توجه بیش‌تر به

نهادها، ساختارهای حقوقی و مشارکت عمومی تأکید می‌کند. که فاصله شگرفی با سیاست‌های دهه ۹۰ این نهاد بین‌المللی مبنی بر اصلاح قیمت‌ها و سیاست‌ها دارد.

5. Rodrik (2000)

6. Evans (2005)

7. Ostrom (2007)

8. Rodrik (1999), Alesina et al. (2003), Easterly (2006), Adda (2007), Feroni et al. (2008), Foa (2011)

است. افراد جامعه به طور دائمی در جریان طراحی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابی پروژه‌های مختلف مشارکت داشته و با رفتارها و تصمیم‌گیری‌های خود توسعه را می‌آفرینند. به عبارت دیگر، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی شرکت‌کنندگان اصلی در فرایند توسعه هستند. در نتیجه، متفاوت بودن درجه انسجام، ظرفیت بسیج و قابلیت هماهنگی این گروه‌ها، عامل مهمی در عملکرد متفاوت کشورها در راستای خلق نهادهای کارآمد و دستیابی به توسعه اقتصادی محسوب می‌گردد (رودریک، ۱۹۹۹: ص ۳۸۵؛ ایسترلی، ۲۰۰۶: ص ۱۰۶).

نورث در کتاب "درک فرایند تغییر اقتصادی" می‌نویسد تفاوت میان کشورهای فقیر و غنی به تفاوت در باورهای آن‌ها بر می‌گردد (نورث، ۲۰۰۵: ص ۴۵). وی یادآور می‌شود که اقتصاد علم انتخاب است. اما این رشته، از کاوش در زمینه‌ای که انتخاب، در آن اتفاق می‌افتد غفلت ورزیده است (نورث، ۲۰۰۵: ص ۱۱). به عقیده نورث، قواعد و قوانین حاکم بر رفتار فردی و یا در تعاملات اجتماعی، در باورها و اعتقادات ریشه دارد و به عبارتی برگرفته از مدل‌های ذهنی آن‌هاست. این مدل‌های ذهنی در اشتراک و تعامل در یک جامعه پیچیده، مدل‌های فکری یا پارادایم‌های اجتماعی را شکل داده و به تبع آن‌ها، در جوامع کنونی ساختار نهادی (اعم از قوانین رسمی و غیر رسمی و سازمان‌های مختلف) ظهور یافته و روابط و تعامل در جامعه بشری را شکل داده‌اند (نورث، ۲۰۰۵: ص ۴۸).

بر اساس رویکرد نهادگرایان، یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت اصلاحات نهادی در کشورهای فقیر و شکست این کشورها در پیشبرد اهداف توسعه‌ای، وجود درگیری‌ها و تنش‌های فردی و جمعی، عدم مشارکت جمعی، بالا بودن هزینه‌های کنترل اجتماعی، پایین بودن کارایی نظام اجتماعی و به طور کلی از هم‌گسیختگی اجتماعی است. در نتیجه، این کشورها با تعارض‌ها و تضادهای راهبردی در سطوح مختلف جامعه مواجه هستند (ایسترلی، ۲۰۰۶: ص ۱۰۵؛ ولکوک،

بر توسعه اقتصادی و در نهایت ارتباط و وابستگی انسجام اجتماعی با نابرابری و سرمایه اجتماعی تحلیل و بررسی می‌شود. سپس، در بخش سوم مرور کوتاهی بر مطالعات تجربی انجام شده در این زمینه صورت می‌گیرد. بخش چهارم به طراحی و تحلیل الگوی تجربی و بخش پنجم به برآورد اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی با روش رگرسیون داده‌های تابلویی اختصاص می‌یابد. در پایان، خلاصه و جمع‌بندی نتایج ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری

۱-۲ مفهوم انسجام اجتماعی

در یک تعریف کلی، انسجام اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، اجزای تشکیل‌دهنده جامعه، به گونه‌ای به یکدیگر وصل می‌شوند که یک کل معنادار و مؤثر را بوجود می‌آورند. به عبارت دیگر، انسجام اجتماعی نوعی از ترتیبات اجتماعی است که تضمین می‌کند افراد، نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف اجرایی در سطوح مختلف، به اشتراک ذهنی (مدل‌های ذهنی مشترک) برسند، قابلیت همکاری با یکدیگر را داشته باشند، به قوانین موجود احترام بگذارند، از امکانات جامعه استفاده کنند و در مقابل، توانایی‌های خویش را بر اساس هوش‌ها و توانمندی‌های چندگانه بازشناسی و پرورش داده و در اختیار جامعه قرار دهند، که به نوبه خود توسعه ظرفیت‌ها و توانایی‌های جامعه را به بار می‌آورد (جینات، ۲۰۰۳: ص ۳؛ گاردنر، ۲۰۰۵: ص ۲۵؛ ولکوک، ۲۰۱۱: ص ۵۱).

۲-۲ نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی

توجه به "ماهیت انسانی" مهم‌ترین اصلی است که فرض قواعد و قوانین جهان شمول برای تحلیل توسعه نیافتگی اقتصادهای مختلف را زیر سؤال می‌برد. توسعه اقتصادی، حاصل رفتار خلاق انسان‌ها و مشارکت جمعی افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف جامعه در تمام عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی



افراد در تصمیمات سرنوشت ساز، و واگذاری بخشی از تصمیم‌گیری‌ها به آحاد جامعه، سهم قدرت محدود می‌شود. امکان رقابت کارآمد برای دستیابی به قدرت فراهم می‌آید. سازمان‌هایی ایجاد می‌گردند که دارای شخصیتی مستقل از اعضا هستند و در بحران‌ها و جابه‌جایی هواداران پایدار می‌مانند. در نتیجه، این نهادها توسط قواعد و هنجارهای کارآمدتری شکل می‌گیرند و دارای شفافیت و پاسخ‌گویی بیش‌تری هستند. لذا، کارایی بیش‌تری به همراه دارند و ابزار منعطف‌تری برای مواجهه با چالش‌ها و شوک‌های پیش‌روی اقتصاد در اختیار دارند و در فضای عمومی که با اطلاعات ناقص روبروست، مخاطرات کمتری احتمال بروز می‌یابد (همان، ۱۹۹۹: ص ۴۰۳؛ ریتزن^۱، ۲۰۰۱: ص ۲۹۸؛ ناک^۲، ۲۰۰۲: ص ۷۷۴). بدین ترتیب، انسجام اجتماعی که خود منتج از باورها و مدل‌های ذهنی مشترک در یک جامعه است، در کیفیت بالاتر نهادهای رسمی و غیر رسمی یک جامعه تجلی می‌یابد. کیفیت نهادهای جامعه، فرصت‌های پیش‌روی سازمان‌ها^۳ و سیاست‌گذاری‌ها را منعکس می‌کند (نورث، ۲۰۰۰: ص ۲۲۱). حاصل این فرایند نتایجی است که به صورت عینی در جامعه بروز می‌یابد. چهارچوب مفهومی این مکانیسم در نمودار (۱) ترسیم شده است.

انسجام اجتماعی و پیامدهای خوب اقتصادی و اجتماعی در یک حلقه مفید (ارتقا دهنده) یکدیگر را تقویت می‌کنند. در مقابل، چنانچه این مارپیچ به دست عواملی از قبیل سیاست‌های نامناسب، روند نزولی بیابد، نتیجه، پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی و همچنین توزیع نابرابر منافع اجتماعی خواهد بود که می‌تواند انسجام اجتماعی را تضعیف، و تخریب پیامدهای اقتصادی و اجتماعی را تشدید کند.

۲۰۱۱: ص ۵۷). در چنین فضایی، سود انتظاری اقدامات فرصت‌طلبانه بالاست. در نتیجه، هر یک از گروه‌های متفاوت اجتماعی به دنبال حداکثر کردن منافع خود بر می‌آید. به ویژه هنگامی که اقتصاد با یک بحران و یا شوک خارجی مواجه شود، گروه‌های اجتماعی متفاوت با یکدیگر می‌جنگند تا سهم قبلی خود را حفظ کنند (رودریک، ۱۹۹۹: ص ۳۸۶). بنابراین علی‌رغم تلاش‌های فردی و وجود ذخایر عظیم و توانمندی‌های بالقوه، سیاست‌های اقتصادی تأثیر نمی‌کنند و یا نتایج نامطلوبی را به دنبال دارند. در حقیقت، همان‌گونه که در ریاضی برآیند بردارهای هم جهت برابر با مجموع بردارها می‌شود اما برآیند بردارهای خلاف جهت یکدیگر را خنثی می‌کنند؛ در جامعه نیز چنانچه انسجام اجتماعی و هماهنگی وجود نداشته باشد، نیروها و سرمایه‌ها هدر می‌روند و تضادهای موجود سبب خنثی شدن تلاش‌ها برای اصلاحات و تسریع آهنگ رشد و غلبه بر توسعه نیافتگی می‌گردد. به گونه‌ای که به رغم تلاش‌های فردی، توسعه اقتصادی حاصل نمی‌شود (همان، ۱۹۹۹: ص ۳۸۹).

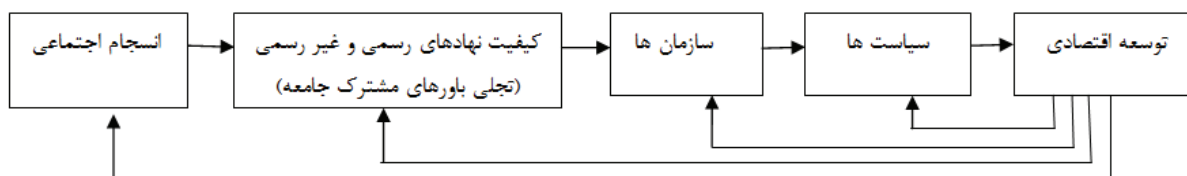
در جوامع چند پاره و غیر منسجم، هر یک از گروه‌ها به دنبال کسب منافع متضاد خود از طریق سیاست‌ها و نهادهای عمومی هستند. در نتیجه، دولت‌ها در اتخاذ تصمیمات دارای محدودیت‌های بیش‌تر و بزرگ‌تری نسبت به جوامع منسجم هستند. رفتارهای رانت‌جویانه بیش‌تر غالب می‌شود. هزینه‌های معاملاتی افزایش می‌یابد. تضادها و تعارضات تشدید می‌شود و پیوندهای اجتماعی تضعیف می‌گردد، که همگی منجر به بروز و تشدید بی‌ثباتی‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود. بی‌ثباتی نیز اثر منفی بر قابل پیش‌بینی بودن محیط سیاسی، نرخ سرمایه‌گذاری، مدت زمان روی کار ماندن سیاست‌گذار و قابلیت دوام سیاست‌های عمومی می‌گذارد. همچنین منجر به سیاست‌های مالی نزدیک‌بینانه‌تری می‌شود که به نوبه خود سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد.

در مقابل، جوامع منسجم کم‌تر مستعد فراز و فرود هستند. زیرا، به واسطه افزایش نرم‌های اجتماعی مبتنی بر همکاری و رفتار جمعی، مشارکت مردم در تمام عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد. با افزایش نرخ مشارکت

1. Ritzzen (2001)

2. Knack (2002)

۳. منظور از سازمان‌ها تمامی شاکله‌های سیاسی (به عنوان مثال، بازیگران سیاسی، سناتورها، شورای شهر و هیئت‌های نظارت کننده)، شاکله‌های اقتصادی (به عنوان مثال، شرکت‌ها، اتحادیه تجاری، مزارع فامیلی، شرکت‌های تعاونی)، شاکله‌های اجتماعی (کلیساها، کلوب‌ها، انجمن‌های ورزشی) و شاکله‌های آموزشی (مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز آموزش شغلی) هستند (نورث ۲۰۰۰).



نمودار (۱): چارچوب تحلیل نهادی نقش انجام اجتماعی در توسعه اقتصادی

محرومیت و نابرابری درآمد استفاده کردند. این گروه، جامعه منسجم را جامعه‌ای تعریف می‌کنند که در آن از محرومیت اجتماعی ممانعت شود و فرصت‌های برابر برای همه اعضای جامعه فراهم آورد، به گونه‌ای که افراد متعلق به آن جامعه باور داشته باشند که از جامعه حذف نمی‌شوند و به حاشیه نمی‌روند.

(۲) آن دسته از مطالعات که انجام اجتماعی را به عنوان سرمایه اجتماعی در نظر گرفتند و معیارهایی چون نرخ مشارکت، نرخ عضویت، اعتماد و تشکیل شبکه‌های اجتماعی را برای برآورد انجام بکار گرفتند. این گروه افزایش سرمایه اجتماعی را اساس و بنیان ایجاد انجام در جامعه مطرح نمودند.

بر این اساس، برگر-اشمیت^۵ (۲۰۰۰: ص ۸) در مطالعه خود با عنوان "انجام اجتماعی معرف کیفیت جوامع؛ بررسی مفهوم و سنجش آن"^۶ با بررسی و ترکیب این دو گروه از مطالعات، شاخص گسترده‌تری از انجام اجتماعی ارائه می‌دهد که نتیجه تعامل پویا و متقابل سرمایه اجتماعی از یک طرف و عدم نابرابری و محرومیت از طرف دیگر است. به گونه‌ای که سرمایه اجتماعی بیش‌تر و نابرابری و محرومیت کم‌تر در توزیع فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، منجر به انجام اجتماعی بیش‌تر می‌شود.

۲-۳-۱ از "سرمایه اجتماعی" تا "انجام اجتماعی"

درباره پیدایش مفهوم سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم سیاسی و همچنین درباره معانی، تعاریف و ابزارهای سنجش آن اتفاق نظری در بین محققان وجود ندارد. پیدایش این اصطلاح در برخی متون مانند پوتنام^۷ (۲۰۰۰) به

یادآوری می‌شود در این رویکرد اهمیت مکانیسم انتخاب خصوصی (فردی) نادیده گرفته نمی‌شود. در عین حال تأکید می‌شود که مکانیسم انتخاب فردی بر مبنای حداکثر سازی نفع شخصی تنها زمانی نتایج مطلوب را به همراه دارد که از یک فرایند جمعی عبور کند (کامونز^۱، ۱۹۳۱: ص ۶۵۴).

۲-۳-۲ اندازه‌گیری و برآورد انجام اجتماعی

سنجش و برآورد مفهوم انجام اجتماعی در راستای ارائه تصویر کلان اجتماعی جهت طراحی سیاست‌های اقتصادی، از دهه ۱۹۹۰ مطرح گردید. مرکز تحقیقات کانادا^۲ در مطالعه‌ای توسط جنسون^۳ (۱۹۹۸: ص ۱۵) تعاریف و معانی متفاوت انجام اجتماعی را از زوایای متفاوت ارائه نمود. پس از آن، مطالعات و تحقیقات در این رابطه رشد و گسترش یافت و ملاحظات قابل توجهی در رابطه با ماهیت، چگونگی تعریف و در نتیجه چگونگی اندازه‌گیری و برآورد انجام اجتماعی، به بدنه تحقیقات آکادمیک در این رابطه افزوده شد. علی‌رغم گسترش و رشد مطالعات در این زمینه، انجام اجتماعی همچنان دارای تعاریف متعددی است که انتخاب هر یک از تعاریف انجام، نقش مهمی در تحلیل، اندازه‌گیری و توصیه‌های سیاستی برآمده از آن ایفا می‌کند (برنارد^۴، ۱۹۹۹: ص ۱۸؛ جینات، ۲۰۰۰: ص ۹).

در این راستا، می‌توان تمامی مطالعات صورت گرفته جهت برآورد شاخص انجام اجتماعی را به دو گروه کلی تقسیم نمود (همان، ۲۰۰۳: ص ۲۳):

(۱) آن دسته از مطالعاتی که انجام اجتماعی را به عنوان یکپارچگی اجتماعی و الگوی توزیع در نظر گرفته‌اند و برای محاسبه شاخص انجام اجتماعی از سنجش میزان فقر،

5. Berger-Schmitt (2000)

6. Social Cohesion as an Aspect of the Quality of Society; Concept and Measurement

7. Putnam (2000)

1. Commons (1931)

2. The State of Canadian Research

3. Jensen (1998)

4. Bernard (1999)



همکاری با دیگران است که نوعی جریان سرمایه‌گذاری فردی تلقی می‌شود. انسجام اجتماعی حاصل انباشت و گسترش سرمایه اجتماعی در طول زمان است که منافع فردی و جمعی ایجاد می‌کند (از طریق آثار خارجی). از طرف دیگر، سرمایه اجتماعی در طول زمان بدون سرمایه‌گذاری جدید از بین می‌رود. بنابراین، انباشت سرمایه اجتماعی و قابلیت گسترش آن، موجب فراگیر شدن سرمایه اجتماعی در تمام سطوح جامعه و در نهایت ایجاد انسجام اجتماعی می‌گردد که به هم پیوستگی یک اقتصاد را در سطح کلان نشان می‌دهد. به عقیده دایتون (۲۰۰۳) (به نقل از اکسوبی، ۲۰۰۹: ص ۵)، مسئله اساسی این است که چه عواملی و در چه فرایندی باعث فراگیر شدن سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی و سرریز شدن آن به سطح کلان جامعه می‌گردد زیرا کسی که در زمینه سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کند برخلاف سرمایه‌گذاری در سرمایه مالی و انسانی، نمی‌تواند به دریافت و بازگشت کامل فواید ناشی از این سرمایه‌گذاری کاملاً مطمئن باشد. به همین دلیل، این نوع سرمایه‌گذاری به ادراکات، تمایلات و انتظاراتی وابسته است که اقشار و گروه‌های متفاوت را به همکاری ترغیب می‌کند. در عین حال، این تمایلات خریدنی و یا دستور پذیر نیستند و نمی‌توان آن‌ها را در چارچوب سرفصل‌های درسی آموزش داد. این بدان معناست که نمی‌توان با اقدامات راهبردی، به آسانی آن‌ها را ایجاد کرد (اوفه^۹، ۱۹۹۶: ص ۵۲؛ ویلیامسون^{۱۰}، ۱۹۹۸: ص ۷۶).

در جوامع سنتی، تشابه نظام ارزشی هنجاری در سیطره روابط عاطفی و نظام‌های عرفی، نهادهای اجتماعی سنتی را در یک فرایند تکاملی تاریخی خلق می‌کند که مهم‌ترین عامل خلق و تداوم سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. اما در جوامع مدرن، در چارچوب نیازهای جدید و تعاملات اجتماعی، این نهادهای سنتی تا حدودی تخریب گشته، و نهادهای جدیدی جایگزین آن می‌گردند. در این شرایط، قابلیت جامعه برای انباشت و گسترش سرمایه اجتماعی به شدت تحت تأثیر میزان برخورداری افراد از فرصت‌های

هانی‌فان^۱ (۱۹۱۶) و در برخی متون دیگر به جاکوب^۲ (۱۹۶۱) نسبت داده شده است (به نقل از رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ص ۲۴۹). لوری^۳ (۱۹۷۰) اولین اقتصاددانی بود که به این مفهوم توجه کرد و بوردیو^۴ (۱۹۸۶) برای اولین بار آن را وارد متون اقتصادی نمود. اما در متون موجود اشاره می‌شود که کلمن^۵ (۱۹۸۸) و پوتنام^۶ (۱۹۹۳) مفهوم فعلی سرمایه اجتماعی را پایه‌ریزی کرده و وارد متون اقتصاد نموده‌اند (به نقل از رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ص ۲۵۳ و ۲۵۶). هر چند تعاریف متعدد و متفاوتی از سرمایه اجتماعی در متون اقتصادی و جامعه‌شناسی ارائه شده است، اما وجه مشترک تمامی تعاریف ارائه شده، اشاره به سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها و درکی است، که موجب تسهیل همکاری درون گروهی و برون گروهی می‌شود (علمی و همکاران، ۱۳۸۴: ص ۲۴۱؛ تاجبخش، ۱۳۸۴: ص ۵۳۰؛ رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ص ۳۰۹).

بدین ترتیب، سرمایه اجتماعی به علت بهبود و تسهیل فعالیت‌های جمعی، قطعاً شرط لازم برای ایجاد انسجام اجتماعی در جامعه است. اما شرط کافی نیست و به تنهایی نمی‌تواند انسجام و یکپارچگی را در سطح جامعه ایجاد نماید؛ زیرا، سرمایه اجتماعی غالباً به حل مشکل کنش جمعی در سطوح پایین‌تر و کوچک‌تر جامعه منجر می‌گردد و لزوماً به سطح کلان جامعه سرریز نخواهد شد. سرمایه اجتماعی تنها هنگامی کارکرد مثبت (آن‌چنان که بسیاری از مطالعات به آن اشاره کرده‌اند) در یک جامعه خواهد داشت که قابلیت برقراری پیوند بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و شبکه‌های مختلف اجتماعی را در سطح کلان جامعه داشته باشد (اکسوبی^۷، ۲۰۰۹: ص ۶).

به عقیده دایتون^۸ (۲۰۰۳) (به نقل از اکسوبی، ۲۰۰۹: ص ۵) فرض اساسی در نظریه سرمایه اجتماعی، تلاش جهت

1. Hanifan (1916)
2. Jacobs (1961)
3. Loury (1970)
4. Bourdieu (1986)
5. Coleman (1988)
6. Putnam (1993)
7. Oxoby (2009)
8. Dayton (2003)

9. Offe (1996)

10. Williamson (1998)

اقتصادی و اجتماعی و سیاسی تحت ساختار نهادی جدید در جامعه است (اکسوی، ۲۰۰۹: ص ۸).

۲-۳-۲ از "نابرابری در توزیع فرصت‌ها" تا "انسجام اجتماعی"

نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، به معنی عدم دسترسی گروه مشخصی از افراد به فرصت‌ها و حقوق اجتماعی است که به علت انباشت شرایط نامساعد ناشی از موانع اجتماعی ایجاد می‌شود و به صورت هم‌پوشانی محرومیت عینی و عدم رضایت ذهنی ناشی از آن و همچنین شانس محدود برای حضور و دسترسی به بسیاری از فعالیت‌ها و موقعیت‌ها تجربه می‌گردد. این محرومیت‌ها از یک طرف باعث از بین رفتن هنجارهای اصلی^۱ و رواج خرده فرهنگ‌ها^۲ در جامعه می‌شود. از طرف دیگر، موجب عدم مشارکت و کناره‌گیری از زندگی اجتماعی و سیاسی این قشر از افراد و القای نوعی حس بی‌ارزش بودن و محترم شمرده نشدن می‌شود (آورامو، ۲۰۰۲: ص ۲۶). مجموع این عوامل در نهایت، از هم‌گسیختگی جامعه را به دنبال خواهد داشت.

در جامعه‌ای که محرومیت نسبی برای عده‌ای وجود داشته باشد، حاشیه‌نشینی اقتصادی و به تبع آن حاشیه‌نشینی ذهنی و اجتماعی پدید می‌آید. این امر خود منجر به بروز احساس تبعیض و خشم در این قشر از جامعه می‌گردد (آورامو، ۲۰۰۲: ص ۲۶؛ گلیسر و دیگران، ۲۰۰۲: ص ۴۴۳). همچنین، افراد در پایین‌ترین سطوح درآمدی مستعدترین افراد برای ارتکاب جرم محسوب می‌شوند چون هزینه صرف نظر کردن از درآمدهای قانونی برای آن‌ها بسیار کم است (ارلیچ^۳، ۱۹۷۳: ص ۵۵). نکته قابل توجه این است که، باور افراد و انتظاراتشان (مثلاً عدم رضایت یا محترم شمرده نشدن) نقش مهمی در تعیین احساس محرومیت و نابرابری در فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی ایفا

1. Mainstream Norms

2. Subcultures

۳. برای مثال، ارتکاب جرم و استفاده از مواد مخدر می‌تواند به هنجارهای یک جامعه درگیر فقر تبدیل شود.

4. Avramov

5. Glaeser et al. (2002)

6. Ehrlich (1973)

می‌کند. در حقیقت، مهم‌ترین علت شکل‌گیری ناهماهنگی‌ها و هنجارشکنی‌ها توسط افراد محروم و فقیر، نوع ادراک و قضاوت این افراد در رابطه با شرایط اقتصادی و اجتماعی‌شان در جامعه است. به این معنی که احساس نابرابری و محرومیت، به شدت به نوع برداشت و تفسیر افراد (الگوهای ذهنی) از سیاست‌ها و محیط اطرافشان بستگی دارد. که به نوبه خود بر انگاره‌ها، ادراکات و پیش‌بینی‌های مردم در برابر یکدیگر و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تأثیر به‌سزایی دارد^۷ (آورامو، ۲۰۰۲: ص ۲۷-۲۶).

بدین ترتیب، جامعه‌ای که در آن فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی به صورت برابر میان افراد جامعه توزیع شود، موجب تقویت تمایلات و انتظاراتی می‌شود که اقشار متفاوت را به اعتماد، همکاری و مشارکت ترغیب می‌کند. زیرا همه افراد در دستاوردهای چنین جامعه‌ای ذینفع‌اند^۸ و سهم منصفانه خود را بدست می‌آورند. این گونه جوامع، افزایش سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی و انباشت و گسترش آن، و در نهایت افزایش انسجام اجتماعی را به همراه دارند. افزایش انسجام اجتماعی نیز به نوبه خود باعث توزیع برابرتر فرصت‌ها و تقویت سرمایه اجتماعی می‌گردد و این چرخه تداوم می‌یابد (اکسوی، ۲۰۰۹: ص ۱۲).

۳- پیشینه پژوهش

از آن جا که هدف این تحقیق بررسی اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی است، در این بخش یافته‌های مقالات و مطالعات مربوط به کارکرد اقتصادی انسجام اجتماعی مرور می‌شود. هسته مرکزی تمام این مطالعات بیان این نکته است که

۷. نابرابری به خودی خود بد نیست، بلکه منبع ایجاد نابرابری مهم است. به این معنی که ناعادلانه بودن نابرابری بستگی به این دارد که چرا برخی ثروتمندتر از برخی دیگر هستند. این که افراد از مجاری صحیح و با اتکا به قابلیت‌های خود به ثروت رسیده‌اند یا نه، تأثیر مهمی در ذهنیت و ترجیحات افراد نسبت به نابرابری‌ها خواهد داشت (رومر ۱۹۹۸). در حقیقت، باور و درک جامعه از مشروعیت داشتن ثروت، نقش مهمی در میزان آستانه قابل تحمل نابرابری دارد. در جامعه‌ای که ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی قوی برای توزیع نابرابر دارایی‌های ثابت وجود دارد، این آستانه می‌تواند بالاتر از جوامع دیگر باشد. در نتیجه، در چنین جوامعی لزوماً با وجود نابرابری بالا، انسجام اجتماعی فرو نمی‌پاشد (باروز و همکاران ۲۰۰۹).

8. Avramov (2002)

9. Stakeholder Society



ایسترلی (۲۰۰۶: ص ۱۰۳) در مطالعه خود از دو متغیر "انشعابات قومی" و "سهم گروه‌های میانی جمعیت از درآمد" به عنوان شاخص‌های معرف میزان انسجام اجتماعی در جوامع استفاده نمود. وی با استفاده از روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای^۴ به برآورد اثر انسجام اجتماعی بر کیفیت نهادها و رشد تولید سرانه ۸۱ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه پرداخت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد انسجام اجتماعی بیش‌تر منجر به تشکیل نهادهای بهتر بر حسب "حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی"، "آزادی‌های مدنی"، "کارآمدی دولت"، و "مبارزه با فساد" می‌گردد. بهبود کیفیت این نهادها باعث رشد اقتصادی بیش‌تر می‌شود.

آدا^۵ (۲۰۰۷: ص ۱-۴۱) به بررسی اثر تقسیمات قومی-زبانی به عنوان متغیر معرف انسجام اجتماعی، بر رشد اقتصادی آمریکای لاتین و آسیای شرقی به منظور مقایسه مسیرهای متفاوت رشد در آن‌ها می‌پردازد. برای این منظور از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی^۶ استفاده می‌کند. نتایج این تخمین نشان می‌دهد شاخص انسجام اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای آسیای شرقی دارد در حالی که در آمریکای لاتین این اثر دیده نمی‌شود. آدا علت این تفاوت را در متغیری که به عنوان شاخص انسجام انتخاب شده است بیان می‌کند. لذا، به برآورد شاخص انسجام اجتماعی با روش میمیک^۷ می‌پردازد. برای این منظور، از متغیرهای تقسیمات قومی، ضرب جینی و شدت بحران در حکمرانی^۸ به عنوان عوامل مؤثر در ایجاد انسجام و از متغیرهای رفتار مالیاتی^۹ و تضادهای اجتماعی و میزان انجمن‌های جمعی به عنوان اثرات انسجام استفاده می‌نماید. اما این بار نیز شاخص انسجام اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای آسیای شرقی نشان می‌دهد در حالی که در آمریکای لاتین این اثر دیده نمی‌شود.

فرونی و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۸: ص ۱-۳۰) به بررسی همبستگی

فرایندهای توسعه در بسیاری از کشورها بر اساس محرک‌های اقتصادی صرف شکل نگرفته است. بلکه، وجود نظم و انسجام اجتماعی در برخی کشورها، به عنوان نوعی از ترتیبات اجتماعی که منجر به تعامل متقابل و تعیین‌کننده چگونگی به هم پیوستگی یک اقتصاد است، شرایط لازم جهت دستیابی به موفقیت‌های اقتصادی را فراهم نموده است.

۳-۱ پژوهش‌های پیشین در سایر کشورها

رودریک (۱۹۹۹: ص ۳۸۵) به بررسی اثر چند دستگی و تضاد اجتماعی بر تفاوت نرخ رشد اقتصادی بین دو دوره ۷۵-۱۹۶۰ و ۹۷-۱۹۷۵ در یک نمونه بزرگ از کشورهای در حال توسعه با روش رگرسیون داده‌های مقطعی^۱ می‌پردازد. وی از شاخص‌های "تقسیمات قومی-زبانی" و "اعتماد اجتماعی" به عنوان متغیرهای معرف میزان تضاد اجتماعی و از شاخص‌های "حاکمیت قانون"، "آزادی‌های مدنی"، "کیفیت نهادهای دولتی" و "هزینه عمومی صرف شده در تأمین اجتماعی" به عنوان متغیرهای معرف نهادهای مدیریت تقابل‌های اجتماعی استفاده می‌کند. تعداد کشورهای در نظر گرفته شده در برآوردها توسط رودریک بین ۴۹ تا ۱۰۳ کشور در نوسان بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد واکنش به شوک‌های خارجی در کشورهایی که دارای چند دستگی و تضاد اجتماعی بیشتری بوده‌اند، نامناسب‌تر از کشورهایی بوده که از بافت اجتماعی منسجم و یکپارچه بهره‌مند بوده‌اند.

آلسینا و همکاران^۲ (۲۰۰۳: ص ۱۵۵) اثر انسجام اجتماعی را با استفاده از سه شاخص انشعابات "قومی"، "مذهبی" و "زبانی" بر کیفیت نهادها و رشد اقتصادی طی دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۵ در ۱۹۰ کشور منتخب مورد ارزیابی قرار دادند و برای این منظور از روش رگرسیون به ظاهر نامرتبط^۳ استفاده نمودند. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن است که انشعابات قومی، مذهبی و تضادهای اجتماعی حاصل از آن، دارای اثر منفی بر زیرساخت‌ها و کارایی کالاهای عمومی و کیفیت سیاست‌ها هستند و از این کانال بر رشد اقتصادی اثر منفی می‌گذارند.

4. Three Stage Least Squares (3SLS)

5. Adda (2007)

6. Ordinary Least Square (OLS)

7. Multiple Indicator, Multiple Causes (MIMIC)

8. Extent of Government Crisis

9. Tax Attitude

10. Ferroni et al. (2008)

1. Cross-Sectional Regression

2. Alesina et al. (2003)

3. Seemingly Unrelated Regression

منتخب پرداخت. برای این منظور، از آخرین داده‌های موجود ۲۰۰ متغیر اجتماعی طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ که از طریق پرسشنامه در "موسسه مطالعات اجتماعی"^۶ گردآوری شده بودند، استفاده نمود. سپس با رویکرد مؤلفه‌های غیر قابل مشاهده^۷ به پردازش و ترکیب داده‌های مذکور پرداخت و اثر شاخص انسجام اجتماعی بر متوسط رشد اقتصادی کشورهای منتخب را برآورد نمود. نتایج مطالعه وی حاکی از اثر مثبت و معنادار انسجام اجتماعی بر رشد اقتصادی بوده است.

اکت و همکاران (۲۰۱۱: ص ۲۷-۱) به برآورد و مقایسه شاخص انسجام اجتماعی و همچنین بررسی همبستگی شاخص انسجام با برخی متغیرهای کلان و سطح رفاه در ۳۹ کشور منتخب اروپا در سال ۲۰۰۸ پرداختند. شاخص انسجام در این مطالعه بر مبنای تعریف برنارد (۱۹۹۹) و با استفاده از داده‌های "پیمایش ارزش‌های اروپاییان"^۸ در رابطه با متغیرهای رفتاری و اجتماعی در سال ۲۰۰۸ ساخته شده است. برای این منظور، داده‌های خام حاصل از این نظر سنجی‌ها استاندارد و ترکیب شده و مقادیر قابل مقایسه از شاخص انسجام در سطح بین‌کشوری حاصل گردیده است. اکت و همکاران (۲۰۱۱) نشان می‌دهند همبستگی معناداری میان انسجام اجتماعی و متغیرهای کلان درآمد سرانه، حداقل دستمزد، نرخ اشتغال، امید به زندگی، نرخ مرگ و میر نوزادان، سطح تحصیلات، دسترسی به اینترنت، خوشحالی و رضایت از زندگی، نرخ مهاجرت و خودکشی، در نمونه مورد بررسی وجود دارد. ایشان نتیجه می‌گیرند جوامع منسجم‌تر جوامع امن‌تری محسوب می‌شوند و با سطوح بالاتر رفاه همراه هستند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شاخص انسجام اجتماعی در مطالعه فوآ^۹ (۲۰۱۱: ص ۳۴-۱) و اکت و همکاران (۲۰۱۱: ص ۲۷-۱) با در نظر گرفتن تعداد زیادی از متغیرهای اجتماعی و رفتاری محاسبه شده است که نسبت به مطالعه رودریک (۱۹۹۹: ص ۳۸۵) و آلسینا و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۳: ص ۱۵۵) که انسجام را تنها بر حسب "تقسیمات قومی-

میان انسجام اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی ۱۸ کشور منتخب آمریکای لاتین در سال ۲۰۰۵ پرداختند. ایشان در مطالعه خود از تعریف برگر اشمیت برای برآورد شاخص انسجام اجتماعی استفاده نمودند و نشان دادند پایین بودن میزان اعتماد افراد به یکدیگر و نهادهای جامعه و همچنین وجود نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی منجر به تضعیف انسجام اجتماعی در این کشورها می‌شود. نتایج مطالعه ایشان حاکی از وجود همبستگی مثبت و معنادار میان انسجام اجتماعی با متغیرهای معرف رشد و توسعه اقتصادی این کشورها - نرخ رشد اقتصادی، اثربخشی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه، نوآوری‌های فنی و در نهایت ثبات سیاسی و اجتماعی - بوده است. بدین ترتیب مطالعه فرونی و همکاران (۲۰۰۸: ص ۳۰-۱) برخلاف مطالعه آدا^۱ (۲۰۰۷: ص ۴۱-۱)، رابطه انسجام اجتماعی با توسعه اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین را کاملاً تأیید می‌کند. تفاوت در محاسبه و در حقیقت کاربرد رویکردی وسیع‌تر، در محاسبه شاخص انسجام نقش عمده‌ای در نتایج بدست آمده داشته است. نکته قابل توجه این است که کنش ناهمگن قومی در ایجاد انسجام اجتماعی اهمیت بسیار کمتری نسبت به معیارهای محرومیت اقتصادی دارد.

ورسلی^۲ (۲۰۱۰: ص ۱۴-۱) به بررسی روند تغییر نابرابری درآمد در اتحادیه اروپا طی دوره ۱۹۵۷ تا ۲۰۰۶ پرداخت. برای این منظور از داده‌های مرکز آمار نابرابری درآمدی در جهان^۳ و روش کرنل^۴ استفاده نمود. نتایج مطالعه وی حاکی از آن است که طی دوره مورد بررسی ضریب جینی نزدیک به ۰.۲۶ کاهش یافته است و درآمد اروپاییان به طور قابل توجهی به یکدیگر نزدیک (همگرا) شده است. البته روند این کاهش تا دهه ۱۹۸۰ شدیدتر و از آن پس ملایم‌تر است. وی نتیجه می‌گیرد طی این ۵۰ سال انسجام اجتماعی در اروپا بسیار تقویت شده است.

فوآ^۵ (۲۰۱۱: ص ۳۴-۱) در مطالعه خود به برآورد تطبیقی اهمیت اقتصادی میزان بالاتر انسجام اجتماعی در ۱۵۵ کشور

6. Institute for Social Studies (ISS)
7. Unobserved Component Approach
8. European Value Survey
9. Foa (2011)
10. Alesina et al. (2003)

1. Adda (2007)
2. Vercelli (2010)
3. World Income Inequality Database(WIID)
4. Kernel Method
5. Foa (2011)



نموده‌اند.

۳-۲ پژوهش‌های پیشین در ایران

مطالعات متعددی در اقتصاد ایران وجود دارند که به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی پرداخته‌اند. برخی از مطالعات مانند تشکر و معینی (۱۳۸۱: ص ۲۵)، علمی و همکاران (۱۳۸۴: ص ۲۳۹)، رنانی و همکاران (۱۳۸۵: ص ۱۳۳)، عطار (۱۳۸۸: ص ۱۲۹)، قاسمی و همکاران (۱۳۸۹: ص ۲۷) به بررسی نظری رابطه سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی پرداخته‌اند. برخی دیگر، از قبیل سوری (۱۳۸۳: ص ۸۷)، امیری و رحمانی (۱۳۸۵: ص ۱۱۱)، حسینی و همکاران (۱۳۸۶: ص ۵۹)، رحمانی و همکاران (۱۳۸۶: ص ۱)، رنانی و مؤیدفر و (۱۳۸۷: ص ۸۰)، زاهدی و همکاران (۱۳۸۸: ص ۸۷)، مؤیدفر و همکاران (۱۳۸۸: ص ۲۱)، شیرخانی و واسعی‌زاده (۱۳۹۰: ص ۲۱۳)، نجارزاده و سلیمانی (۱۳۹۱: ص ۱۷۷) و صادقی و همکاران (۱۳۹۲: ص ۹) به مطالعه تجربی این موضوع پرداخته‌اند. در تمام مطالعات ذکر شده هدف محققان بر بحث سرمایه اجتماعی متمرکز بوده است. هیچ یک از مطالعات داخلی به طور مشخص، به برآورد شاخص انسجام اجتماعی، بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی با انسجام اجتماعی و یا تحلیل رابطه انسجام اجتماعی با عملکرد اقتصادی نپرداخته‌اند. مطالعه کریمی موعاری و همکاران (۱۳۹۰: ص ۱۸۳) تنها مطالعه داخلی است که در آن شاخص انسجام اجتماعی و رابطه آن با توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ایشان در مطالعه خود شاخص انسجام اجتماعی را با استفاده از تعریف برگر-اشمیت و دو مؤلفه "سرمایه اجتماعی" و "نابرابری در توزیع فرصت‌ها" محاسبه نمودند. سپس با استفاده از رهیاف تاکسونومی^۳ عددی و ترکیب پنج مؤلفه "تولید سرانه"، "اثربخشی نهادهای دولتی"، "کیفیت سیاست‌های توسعه"، "نوآوری‌های فنی" و "ثبات سیاسی و اجتماعی" به رتبه‌بندی توسعه اقتصادی کشورهای منتخب پرداختند. در نهایت، اثر انسجام اجتماعی بر شاخص توسعه اقتصادی را با استفاده از رگرسیون داده‌های مقطعی برای ۸۲ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه در مقطع زمانی ۲۰۱۰

زبانی" و "اعتماد اجتماعی" برآورد نمودند، پیشرفت قابل توجهی محسوب می‌شود. در عین حال، مطالعه ایشان تنها بر یک بعد از انسجام اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی متکی است و نابرابری در توزیع فرصت‌ها در محاسبه شاخص انسجام اجتماعی لحاظ نشده است. این در حالی است که با توجه به برگر اشمیت^۱ (۲۰۰۰: ص ۴) و ورسلی^۲ (۲۰۱۰: ص ۱۴-۱)، نابرابری در درآمد و توزیع فرصت‌ها نقش مهمی در میزان انسجام اجتماعی جوامع ایفا می‌کند. از این لحاظ، مطالعه ایسترلی (۲۰۰۶: ص ۱۰۳) و فرونی و همکاران (۲۰۰۸: ص ۱-۳۰) در محاسبه شاخص انسجام معیار مناسب‌تری محسوب می‌شوند. زیرا هر دو کانال مهم و مؤثر در میزان انسجام اجتماعی در جوامع را در نظر گرفته‌اند. در عین حال، مطالعه فرونی و همکاران (۲۰۰۸: ص ۱-۳۰) تنها محدود به بررسی همبستگی‌ها در برخی کشورهای آمریکای لاتین می‌شود. مطالعه ایسترلی (۲۰۰۶: ص ۱۰۳) نیز تنها از یک متغیر "سهم گروه‌های میانی جمعیت از درآمد" به عنوان شاخص معرف میزان نابرابری در توزیع فرصت‌ها (بعد اول انسجام) و یک متغیر "تقسیمات قومی-مذهبی" به عنوان شاخص معرف میزان سرمایه اجتماعی (بعد دوم انسجام) استفاده نموده است. پژوهش حاضر، این ویژگی را دارد که هر دو مؤلفه "نابرابری در توزیع فرصت‌ها" و "سرمایه اجتماعی" را در برآورد شاخص انسجام اجتماعی در نظر می‌گیرد با این تفاوت که هر یک از این دو مؤلفه خود به چندین مؤلفه دیگر تقسیم می‌شوند. ضمن این که عملکرد کشورهای متفاوت دنیا در رابطه با این شاخص جدید و اثر آن بر مؤلفه‌های متفاوت توسعه اقتصادی جوامع مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حالی که غالب مطالعات ذکر شده اثر انسجام را تنها بر نرخ رشد اقتصادی دیده‌اند. مطالعه فرونی و همکاران (۲۰۰۸: ص ۱-۳۰) و اکت و همکاران (۲۰۱۱: ص ۱-۲۷) نیز که علاوه بر نرخ رشد، برخی دیگر از متغیرهای کلان اقتصادی را مد نظر قرار داده‌اند، تنها به بررسی همبستگی انسجام اجتماعی با این متغیرها اکتفا

۱. برگر-اشمیت شاخص انسجام اجتماعی را متشکل از دو بعد "نابرابری و محرومیت اجتماعی" و "سرمایه اجتماعی" دانسته است. برای جزئیات بیشتر به بخش ۲-۳ مراجعه شود.

2. Vercelli (2010)

3. Taxonomy

جامعه معرفی می‌شوند. متغیر "شیوع فقر" که بیانگر جمعیت زیر خط فقر ملی در هر کشور است همراه با متغیرهای "ضریب جینی درآمد"، "ضریب جینی تحصیلات" و "اندازه طبقه متوسط (سهم ۶۰ درصد میانی جمعیت از درآمد)" که بیانگر نابرابری در سطح درآمد و آموزش میان اقشار متفاوت جامعه هستند، برای برآورد میزان برابری در توزیع فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی میان افراد جامعه مد نظر قرار می‌گیرند. برای آگاهی از تعریف و نحوه برآورد هر یک از متغیرهای مذکور در نمودار (۲) به مطالعه کریمی موعاری و همکاران (۱۳۹۰: ص ۱۹۷-۱۹۴) مراجعه شود.

در الگوی معرفی شده (نمودار ۲)، همه حرف این است که هر چه در جامعه‌ای، سرمایه اجتماعی بیشتر و برابری بیشتر در توزیع فرصت‌ها وجود داشته باشد، مدل‌های ذهنی و نظام انگیزشی مبتنی بر همکاری و مشارکت در جهت منافع جمعی و در نتیجه به هم پیوستگی و انسجام اجتماعی در آن جامعه بیشتر خواهد بود. افزایش انسجام اجتماعی به نوبه خود منجر به تشکیل نهادهای بهتر و اثربخشی بیشتر نهادهای دولتی، محیط اجتماعی و سیاسی باثبات‌تر، کیفیت بالاتر سیاست‌های توسعه، افزایش نوآوری و رشد اقتصادی و در نهایت توسعه اقتصادی بالاتر می‌گردد (فرونی و همکاران، ۲۰۰۸: ص ۱۷).

غیرمستقیم سرمایه اجتماعی (بر مبنای نسبت معکوس میان افزایش جرم و سرمایه اجتماعی) پرداخته‌اند. برای مطالعه بیشتر مبانی نظری و بحث‌های مرتبط با سنجش سرمایه اجتماعی به زنانی و مؤیدفر (۱۳۹۰: ص ۳۴۷) مراجعه شود. پژوهش حاضر به پیروی از فرونی و همکاران (۲۰۰۸: ص ۱۴) و کریمی موعاری و همکاران (۱۳۹۰: ص ۱۹۴) به برآورد شاخص سرمایه اجتماعی پرداخته است.

۵. علی‌رغم آن‌که بحث نابرابری در توزیع فرصت‌ها توجه زیاد جامعه‌شناسان و اقتصاددانان و فلاسفه را به خود جلب نموده است، اما از لحاظ تجربی دارای یک تعریف فراگیر نیست و دارای معیار و شاخص معینی برای اندازه‌گیری نیست. زیرا نابرابری در فرصت‌ها می‌تواند در زمینه‌های متعددی وجود داشته باشد و ناشی از مسائل متعددی در مقاطع زمانی متفاوت باشد و به نتایج متعددی منتهی شود. در حقیقت، درک تمام عواملی که بر نابرابری در توزیع فرصت‌ها تأثیر می‌گذارد، اگر غیر ممکن نباشد، بسیار پیچیده است. لذا در مطالعات تجربی، با توجه به پیچیدگی بحث و با در نظر گرفتن ملاحظات متدولوژیکی، بر تعداد محدودی از شاخص‌ها تمرکز می‌شود. برای مطالعه بیشتر مبانی نظری و بحث‌های مرتبط با سنجش توزیع فرصت‌ها به باروز و همکاران Barros et al. (۲۰۰۹: ص ۴۱) مراجعه شود. پژوهش حاضر به پیروی از فرونی و همکاران (۲۰۰۸: ص ۱۴) و کریمی موعاری و همکاران (۱۳۹۰: ص ۱۹۴) به برآورد نابرابری در توزیع فرصت‌ها پرداخته است.

برآورد نمودند. نتایج پژوهش ایشان بیانگر اثر مثبت و معنادار انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی بوده است. پژوهش حاضر با مقاله کریمی موعاری و همکاران (۱۳۹۰: ص ۱۸۳) از دو جنبه متمایز است. تفاوت نخست در بسط مبانی انسجام اجتماعی و چگونگی اثربخشی آن بر عملکرد اقتصادی جوامع است. تفاوت دوم در بکارگیری روش رگرسیون داده‌های تابلویی و برآورد اثر انسجام اجتماعی بر هر پنج مؤلفه توسعه اقتصادی بصورت مجزا در مقاله حاضر است.

۴- معرفی الگو

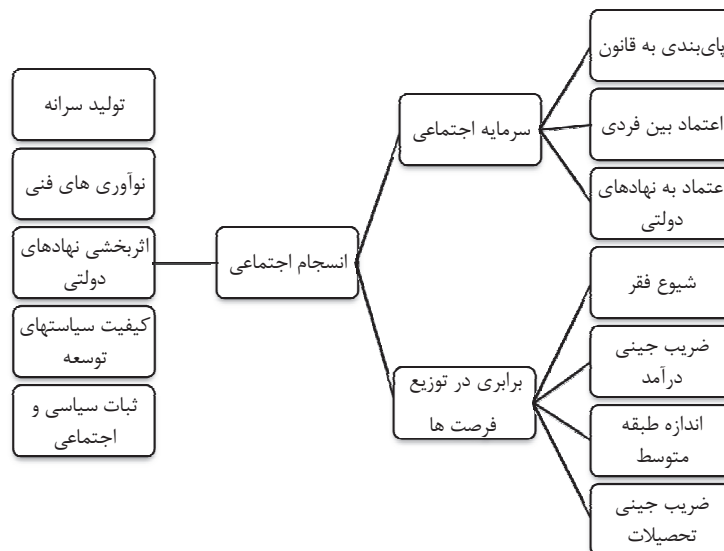
ایده اساسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی، تأکید بر اهمیت نقش مثبت مشارکت مردمی در رشد و توسعه اقتصادی است. در قلب این دیدگاه، این ایده وجود دارد که جوامع با انسجام اجتماعی بالاتر، دارای مزیت‌های مهمی در خلق و تداوم نهادهای کارآمد و در نتیجه عملکرد بهتر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، به واسطه افزایش و گسترش نرم‌های اجتماعی و مدل‌های ذهنی مبتنی بر همکاری و مشارکت در جهت منافع جمعی هستند. در این قسمت به دنبال طراحی مدلی هستیم که نهادهای و ستاده‌های یک جامعه منسجم را نشان دهد.

با توجه به توضیحات بخش ۲-۲ و با استناد بر مطالعه برگر-اشمیت^۳ (۲۰۰۰: ص ۸) دو متغیر سرمایه اجتماعی و برابری در توزیع فرصت‌ها به عنوان متغیرهای مؤثر بر انسجام اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند. انتظار می‌رود سرمایه اجتماعی بیشتر و برابری بیشتر در توزیع فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، منجر به انسجام اجتماعی بیشتر شود (نمودار ۲).

سه متغیر "میزان اعتماد به نهادهای دولتی"، "میزان اعتماد افراد جامعه به یکدیگر" و "پایبندی به قانون" که بر ظرفیت همکاری و تعاون در جامعه در سطح خرد و کلان تأثیر می‌گذارد، به عنوان متغیرهای معرف میزان سرمایه اجتماعی^۴ در

1. Input
2. Output
3. Berger- Schmitt (2000)

۴. همان‌گونه که در بخش ۲-۲ اشاره شد، اتفاق نظری درباره تعریف و سنجش سرمایه اجتماعی در بین محققان وجود ندارد و هر یک به اندازه‌گیری جنبه خاصی از سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. برخی برای سنجش سرمایه اجتماعی به اندازه‌گیری اجزای ساختاری آن مانند اعتماد و شبکه‌های اجتماعی و برخی دیگر، به اندازه‌گیری



نمودار (۲): الگوی تجربی ارتباط میان انسجام اجتماعی و توسعه اقتصادی

دانش دقیق و برآورد کمی ضرایب روابط متقابل^۵، به ندرت امکان پذیر است. این مسئله، حتی در کشورهای توسعه یافته، با وجود سیستم‌های کارآمد جمع‌آوری اطلاعات و محاسبات دقیق و نسبتاً کامل از شرایط و متغیرهای اجتماعی، تا حدود زیادی صحت دارد (همان، ۱۹۷۸: ص ۷۷۵). لذا، اگر چه این تحقیق، در تحلیل و ریشه‌یابی توسعه اقتصادی، به دنبال گسترش ابعاد تحلیل اقتصادی، برداشتن فروض غیر واقعی و ساختن چارچوبی برای تحلیل کمی شرایط واقعی در مطالعات تجربی است، اما با توجه به توضیحات فوق، دانش و شناخت ما نسبت به متغیرهای اجتماعی و روابط متقابل آن‌ها، غیردقیق و محدود است. در عین حال، نهادگرایان استفاده از این دانش محدود، جهت وارد نمودن متغیرهای غیر اقتصادی و نزدیک شدن به تحلیل‌های واقعی از توسعه اقتصادی کشورها را بهتر از رها کردن آن و پذیرش فروض ساده ساز اقتصاد مرسوم در تحلیل‌های اقتصادی دانسته‌اند (همان، ۱۹۷۸: ص ۷۷۹).

۵- یافته‌های تجربی

در این قسمت، اثر شاخص انسجام اجتماعی بر هر یک از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی ۸۵ کشور منتخب طی دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ با روش رگرسیون داده‌های تابلویی برآورد می‌شود. مقادیر هر یک از شاخص‌ها (در نمودار ۲) از مطالعه کریمی موغاری و همکاران (۱۳۹۰: ص ۲۰۱-۱۹۷) استخراج

همچنان که در نمودار (۲) مشاهده می‌شود، انسجام اجتماعی متغیری است که دارای وابستگی متقابل با سایر متغیرهای موجود در سیستم اجتماعی و اقتصادی است، که خود ناشی از وجود علل چرخه‌ای^۱ در سیستم اجتماعی است (میردال^۲، ۱۹۷۸: ص ۷۷۴). زیرا متغیرهای موجود در سیستم دارای اثرات متقابل بر یکدیگر هستند. به این معنی که، چنانچه هر یک از متغیرهای ذکر شده تغییر کند، سایر متغیرها نیز در واکنش به آن تغییر می‌کنند. این تغییر ثانویه نیز خود عامل تغییر در سایر متغیرها و کل سیستم می‌شود. حتی می‌تواند به تغییر عامل اولیه‌ای که منجر به شروع این تغییرات شده است، بیانجامد. بنابراین، هر تغییری در یکی از این متغیرها می‌تواند کل سیستم را دچار تغییرات اساسی نماید^۳ (همان، ۱۹۷۸: ص ۷۷۴). نکته دیگر این است که پویایی تغییرات در سیستم فوق دارای اثرات تجمعی^۴ است. زیرا غالباً تغییراتی که در واکنش به تغییر اولیه در سیستم ایجاد می‌شوند، در جهت همان تغییر اولیه می‌باشند و فرایند حرکت در یک مسیر را به صورت تجمعی تشکیل می‌دهند. به گونه‌ای که پس از مدتی، از طریق مشاهده بازخورد تغییرات اولیه در واکنش به یک یا چند وضعیت، قابل شناسایی نیستند. در حقیقت، تغییرات در سیستم اجتماعی، فرایندی پیچیده و نوعاً تدریجی و بطئی است و نه گسسته. لذا کسب

1. Circular Causation
 2. Myrdal (1978)
 3. Everything Causes Everything Else
 4. Cumulative Effects

5. Coefficient of Interrelation

شده است.

به منظور برآورد مدل پانل، اولین گام، تعیین نمودن قیود وارد شده بر مدل اقتصادسنجی است. در این پژوهش، با توجه به ساختار نمونه مورد بررسی که از ۸۵ کشور و تنها از سه دوره زمانی تشکیل شده است، تعداد پارامترهایی که باید در مدل اثرات ثابت برآورد شود نسبت به تعداد کل مشاهدات بسیار زیاد است. به همین علت برآورد پارامترها با روش اثرات ثابت چندان قابل اعتماد نیستند. از طرف دیگر، با توجه به آن که متغیر انسجام اجتماعی و همچنین سایر متغیرهای توضیحی^۱ توضیحی^۱ که ماهیتی نهادی-ساختاری دارند، در بسیاری از این کشورها در طول این سه سال تغییر نکرده‌اند و یا تغییر آن‌ها بسیار اندک و جزئی بوده است، لذا مدل پانل اثرات ثابت نمی‌تواند مدل مناسبی باشد. زیرا ماهیت مدل اثرات ثابت، به گونه‌ای است که با وارد کردن متغیرهای مجازی، اثر معنادار تفاوت‌های بین گروهی که در طول زمان تغییر نمی‌کنند (مانند فرهنگ، مذهب، نژاد و مواردی از این قبیل) را در مدل لحاظ می‌کند. لذا، مدل اثر ثابت، نمی‌تواند در مواردی بکار رود که متغیر توضیحی در طول زمان ثابت می‌ماند. به عبارت دیگر، از نظر تکنیکی، متغیر توضیحی ثابت در طول دوره مورد بررسی با متغیرهای مجازی در مدل اثرات ثابت دارای هم خطی کامل هستند. در مقابل، مزیت مدل اثرات تصادفی این است که می‌تواند اثر متغیرهای ثابت در طول زمان^۲ را بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار دهد (تورز-رینا، ۲۰۱۰: ص ۲۳).

بنابراین، با توجه به توضیحات فوق، مدل اثرات ثابت در این پژوهش کنار گذاشته می‌شود. حال برای این که مشخص شود آیا ناهمگنی بین گروهی معنادار است و باید مدل اثرات تصادفی انتخاب شود، یا این که همگنی بین گروهی پذیرفته می‌شود و مدل تلفیقی (فرضیه عرض از مبداهای مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع) مورد استفاده قرار می‌گیرد، از آزمون بروش پاگان^۳ استفاده می‌گردد (بالتاجی^۴، ۲۰۰۵: ص ۵۸؛

۱. مدل‌های اقتصادسنجی در ادامه معرفی می‌شوند.
2. Time Invariant Variables
3. Breusch-Pagan
بر اساس این آزمون، ابتدا مدل اثرات تصادفی را برآورد نموده و بر اساس نتایج بدست آمده، آماره LM محاسبه می‌گردد. چنانچه احتمال محاسبه شده (prob)

تورز-رینا، ۲۰۱۰: ص ۳۲). در ادامه، اثر انسجام اجتماعی بر هر یک از پنج مؤلفه توسعه اقتصادی به تفکیک در مدل‌های مجزا برآورد می‌گردد.

۵-۱ مدل اول: اثر انسجام اجتماعی بر تولید سرانه

به منظور برآورد اثر انسجام اجتماعی بر تولید سرانه، از مطالعه موسای و همکاران^۱ (۲۰۱۱: ص ۱۰۷) استفاده می‌گردد؛

$$\log(GDPPC) = f[\log(SC), \log(HC), \log(CF)]$$

که در آن $\log(GDPPC)$ = لگاریتم تولید سرانه، $\log(SC)$ = لگاریتم انسجام اجتماعی^۲، $\log(HC)$ = لگاریتم سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام در مقطع تحصیلات دانشگاهی^۳) و $\log(CF)$ = لگاریتم حجم سرمایه (نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص^۴ به تولید ناخالص داخلی) است^۵. نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان در جدول (۱) آورده شده است که بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش اثرات تصادفی می‌باشد. لذا، نتایج برآورد مدل اول با روش اثرات تصادفی در جدول (۲) ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، ضریب متغیر انسجام اجتماعی $\log(SC)$ در سطح معنای کم‌تر از ۰.۰۱۰ معنادار است. به عبارت دیگر، یک درصد افزایش در متغیر مذکور، منجر به ۰.۰۶ درصد افزایش تولید سرانه می‌گردد. جامعه منسجم، محیطی سازگار و هماهنگ فراهم می‌آورد که رشد تولید را به همراه دارد.

برای آماره LM کوچک‌تر از ۰.۰۵ باشد، اثرات گروهی در بین کشورها در سطح اطمینان ۰.۹۵ درصد پذیرفته می‌شود و لذا بایستی در برآورد مدل‌ها از روش اثرات تصادفی استفاده شود. برای این منظور نرم افزار استاتا (STATA.12) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

4. Baltagi (2005)

5. Torres-Reyna (2010)

6. Musai et al. (2011)

۷. برای آگاهی از مقادیر و نحوه برآورد شاخص انسجام اجتماعی و سایر متغیرهای مذکور در نمودار (۲) به مطالعه کریمی موعاری و همکاران (۱۳۹۰) مراجعه شود.

8. Tertiary Education

9. Gross Fixed Capital Formation

۱۰. اطلاعات و داده‌های مربوط به متغیرهای تولید سرانه، سرمایه انسانی و حجم سرمایه از منبع اطلاعاتی "World Development Indicator" جمع‌آوری شده است.



و $\log(U N)$ = لگاریتم نرخ بیکاری است.^۳

نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان در جدول شماره (۳) آورده شده است که بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش اثرات تصادفی می‌باشد. لذا، نتایج برآورد مدل با روش اثرات تصادفی در جدول (۴) ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، ضریب متغیر انسجام اجتماعی $\log(SC)$ در سطح معنای کم‌تر از ۰.۰۵ معنادار است. به عبارت دیگر، یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، منجر به ۰.۰۷ درصد افزایش (کاهش) در نوآوری‌های فنی می‌گردد. انسجام اجتماعی از طریق تسهیل اطلاعات و ارتباطات و همچنین افزایش امنیت دارایی‌های فیزیکی و ذهنی افراد، زمینه را برای افزایش خلاقیت و نوآوری فراهم می‌آورد.

جدول (۳): نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان برای مدل دوم

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
ضریب لاکرانژ	202.17	0.000	تأیید مدل اثر تصادفی در مقابل داده‌های تلفیقی

* برآورد تحقیق

جدول (۴): برآورد مدل دوم (اثر انسجام اجتماعی بر نوآوری فنی)

متغیر	ضریب	آماره Z	سطح معناداری
$\log(SC)$	0.07	2.24	0.025
$\log(HC)$	0.08	3.70	0.000
$\log(RD)$	0.18	7.73	0.000
$\log(POP)$	0.02	1.33	0.182
$\log(UN)$	-0.04	-2.55	0.011
C	-0.64	-4.34	0.000

R - sq = 0.61

* اثر انسجام اجتماعی بر نوآوری‌های فنی ۸۵ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ با روش رگرسیون داده‌های پانل (اثرات تصادفی) برآورد شده است.

ضریب متغیرهای سرمایه انسانی $\log(HC)$ و هزینه تحقیق و توسعه $\log(RD)$ نشان می‌دهند که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیرهای مذکور به ترتیب، منجر به ۰.۰۸

۳. اطلاعات و داده‌های مربوط به متغیرهای سرمایه انسانی و میزان جمعیت از منبع اطلاعاتی "World Development Indicator" و متغیرهای نرخ بیکاری و هزینه تحقیق و توسعه از منبع اطلاعاتی "Legatum Institute" جمع‌آوری شده است.

جدول (۱): نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان برای مدل اول

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
ضریب لاکرانژ	227.48	0.000	تأیید مدل اثر تصادفی در مقابل داده‌های تلفیقی

* برآورد تحقیق

جدول (۲): برآورد مدل اول (اثر انسجام اجتماعی بر تولید سرانه)

متغیر	ضریب	آماره Z	سطح معناداری
$\log(SC)$	0.06	2.77	0.006
$\log(HC)$	0.10	4.90	0.000
$\log(CF)$	0.08	5.01	0.000
C	3.35	53.21	0.000

R - sq = 0.62

* اثر انسجام اجتماعی بر تولید سرانه ۸۵ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ با روش رگرسیون داده‌های پانل (اثرات تصادفی) برآورد شده است.

ضریب متغیر سرمایه انسانی $\log(HC)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در متغیر مذکور، منجر به ۰.۱۰ رشد تولید سرانه می‌گردد. در نهایت، ضریب متغیر حجم سرمایه $\log(CF)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در حجم سرمایه، موجب ۰.۰۸ رشد تولید سرانه می‌گردد.

۲-۵ مدل دوم: اثر انسجام اجتماعی بر نوآوری‌های فنی

اثر شاخص انسجام اجتماعی بر نوآوری‌های فنی با استفاده از مدل دوه و آکس^۱ (۲۰۱۱: ص ۲۴۱) برآورد می‌شود؛

$$\log(INOV) = f[\log(SC), \log(HC), \log(RD), \log(POP), \log(UN)]$$

که در آن $\log(INOV)$ = لگاریتم سطح نوآوری‌های فنی^۲، $\log(SC)$ = لگاریتم انسجام اجتماعی، $\log(HC)$ = لگاریتم سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام در مقطع تحصیلات دانشگاهی)، $\log(RD)$ = لگاریتم نسبت هزینه تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی، $\log(POP)$ = لگاریتم میزان جمعیت

1. Doh & Acs (2011)

۲. شاخص "نوآوری‌های فنی" از میانگین سه شاخص "ظرفیت نوآوری"، "ظرفیت جذب تکنولوژی‌های جدید توسط واحدهای اقتصادی" و "دسترسی کشور به جدیدترین تکنولوژی‌ها" محاسبه شده است. اطلاعات و داده‌های لازم از منبع اطلاعاتی "World Economic Forum" جمع‌آوری گردیده است.

سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی)، $\log(DEMO)$ = لگاریتم نوع دولت (درجه دموکراتیک بودن کشور) و $\log(CS)$ = لگاریتم اندازه کشور (میزان جمعیت) است.^۳

نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان در جدول (۵) آورده شده است که بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش اثرات تصادفی می‌باشد. لذا نتایج برآورد مدل با روش اثرات تصادفی در جدول (۶) ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، ضریب متغیر انسجام اجتماعی $\log(SC)$ در سطح معناداری کم‌تر از ۰.۰۰۱ معنادار است. به عبارت دیگر، یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، منجر به ۰.۱۴ درصد افزایش (کاهش) در اثربخشی نهادهای دولتی می‌گردد. افزایش انسجام اجتماعی، از طریق افزایش هماهنگی و مشارکت مردمی در سطوح مختلف جامعه، کارایی و اثربخشی نهادهای عمومی را افزایش می‌دهد.

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان برای مدل سوم

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
ضریب لاکرانز	179.97	0.000	تأیید مدل اثر تصادفی در مقابل داده‌های تلفیقی

* برآورد تحقیق

جدول (۶): نتایج برآورد مدل سوم (اثر انسجام اجتماعی بر اثربخشی نهادهای دولتی)

متغیر	ضریب	آماره Z	سطح معناداری
$\log(SC)$	0.14	3.57	0.000
$\log(HC)$	0.09	3.75	0.000
$\log(CF)$	0.07	2.33	0.020
$\log(DEMO)$	0.41	0.90	0.370
$\log(CS)$	-0.02	-1.26	0.208
C	-0.30	-2.01	0.045

R - sq = 0.38

* اثر انسجام اجتماعی بر اثربخشی نهادهای دولتی در ۸۵ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ با روش رگرسیون داده‌های پانل (اثرات تصادفی) برآورد شده است.

۳. اطلاعات و داده‌های مربوط به متغیرهای سرمایه انسانی، حجم سرمایه و میزان جمعیت از منبع اطلاعاتی "World Development Indicator" و متغیر نوع دولت از منبع اطلاعاتی "Legatum Institute" جمع‌آوری شده است.

و ۰.۱۸ درصد افزایش (کاهش) در نوآوری‌های فنی می‌گردد. از لحاظ نظری نیز، سرمایه انسانی و هزینه‌های تحقیق و توسعه، به عنوان نهاده در تابع تولید نوآوری‌ها محسوب می‌شوند و افزایش هر یک از آن‌ها افزایش نوآوری را به همراه خواهد داشت.

ضریب متغیر لگاریتم جمعیت اثر معناداری بر نوآوری‌های فنی نشان نمی‌دهد. از لحاظ نظری، انتظار بر این است که افزایش جمعیت، باعث افزایش ایده‌ها، خلاقیت‌ها و در نتیجه افزایش نوآوری گردد. از طرف دیگر، افزایش جمعیت، به ویژه در کشورهای در حال توسعه که با کمبود بسیاری از امکانات آموزشی و بهداشتی مواجه‌اند، ممکن است بروز و شکوفایی خلاقیت‌ها را در پی نداشته باشد. لذا نظر قطعی و مشخصی در رابطه با اثر جمعیت بر نوآوری به لحاظ تئوریک وجود ندارد و بسته به شرایط و ویژگی‌های کشورهای، اثرات متفاوتی قابل مشاهده است. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت جمعیت، متغیر تعیین‌کننده ضعیفی برای تعیین میزان نوآوری در جامعه است. در نهایت، ضریب متغیر نرخ بیکاری $\log(UN)$ نشان می‌دهد یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، موجب ۰.۰۴ درصد کاهش (افزایش) در نوآوری‌های فنی می‌گردد.

۳-۵ مدل سوم: اثر انسجام اجتماعی بر اثربخشی نهادهای دولتی

اثر شاخص انسجام اجتماعی بر اثربخشی نهادهای دولتی با استفاده از مدل ناگ^۱ (۲۰۰۲: ص ۷۷۲) برآورد می‌شود:

$$\log(GOVF) = f[\log(SC), \log(HC), \log(CF), \log(DEMO), \log(CS)]$$

که در آن $\log(GOVF)$ = لگاریتم اثربخشی نهادهای دولتی^۲، $\log(SC)$ = لگاریتم انسجام اجتماعی، $\log(HC)$ = لگاریتم سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام در مقطع تحصیلات دانشگاهی)، $\log(CF)$ = لگاریتم حجم سرمایه (نسبت تشکیل

1. Knack (2002)

۲. شاخص "اثر بخشی نهادهای دولتی" از میانگین سه شاخص "کارایی دولت"، "کیفیت قوانین و مقررات" و "کیفیت زیرساخت‌های کشور" و با استفاده از منابع اطلاعاتی "World Wide Governance Indicator" و "World Economic Forum" محاسبه شده است.



تئوریک وجود ندارد و در برآوردهای تجربی اثرات متفاوتی قابل مشاهده است.

۵-۴ مدل چهارم: اثر انسجام اجتماعی بر کیفیت سیاست‌های توسعه

اثر شاخص انسجام اجتماعی بر کیفیت سیاست‌های توسعه با استفاده از مدل هریس^۱ (۲۰۰۷: ص ۱۱) برآورد می‌شود:

$$\log(DEV) = f[\log(SC), \log(JUDI), \log(DEMO), \log(OPEN)]$$

که در آن $\log(DEV)$ = لگاریتم کیفیت سیاست‌های توسعه^۲، $\log(SC)$ = لگاریتم انسجام اجتماعی، $\log(JUDI)$ = لگاریتم استقلال قوه قضائیه، $\log(DEMO)$ = لگاریتم نوع دولت (درجه دموکراتیک بودن کشور) و در نهایت $\log(OPEN)$ = لگاریتم درجه باز بودن اقتصاد (برابر با نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) است^۳.

نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان در جدول شماره (۷) آورده شده است که بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش اثرات تصادفی می‌باشد. لذا نتایج برآورد مدل با روش اثرات تصادفی در جدول (۸) ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، ضریب متغیر انسجام اجتماعی $\log(SC)$ در سطح معنای کم‌تر از ۰.۰۱۰ معنادار است. به عبارت دیگر، یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، منجر به ۰.۱۰ درصد افزایش (کاهش) در کیفیت سیاست‌های توسعه (کنترل فساد و انحراف در بودجه عمومی) می‌گردد. جامعه منسجم‌تر به علت ثبات و توافق نسبی بیش‌تر در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها، کم‌تر در معرض رفتارهای فرصت طلبانه و گسترش فساد قرار می‌گیرد.

ضریب متغیرهای سرمایه انسانی $\log(HC)$ و حجم سرمایه $\log(CF)$ نشان می‌دهند که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیرهای مذکور، به ترتیب منجر به ۰.۰۹ و ۰.۰۷ درصد افزایش (کاهش) در اثربخشی نهادهای دولتی می‌گردد. از لحاظ نظری، افزایش سرمایه انسانی و فیزیکی موجب افزایش درآمد و رشد در عرصه‌های مختلف شده که به نوبه خود افزایش در کیفیت زیرساخت‌ها و کیفیت نهادهای عمومی، کارایی دولت و در نهایت اثربخشی نهادهای دولتی را به همراه خواهد داشت.

ضریب متغیر نوع دولت $\log(DEMO)$ اثر معناداری بر اثر بخشی نهادهای دولتی نشان نمی‌دهد. این نتیجه با مبانی نظری مطابقت ندارد. معنادار نشدن ضریب مذکور به نوع داده‌های متغیر نوع دولت (درجه دموکراتیک بودن کشور) مرتبط است. زیرا همان‌گونه که شرلی (۲۰۰۸) و نورث (۲۰۰۹) بیان می‌کنند، در تعیین نوع دولت‌ها ابهام وجود دارد. غالباً دموکراسی بر حسب وجود انتخابات سنجیده می‌شود، در حالی که دموکراسی تنها به معنی انتخابات نیست. بسیاری از کشورها که در گروه کشورهای دموکراتیک طبقه‌بندی می‌شوند، در واقع دموکراسی‌های ضعیفی هستند که عموماً تأثیر منفی بر اثر بخشی سیاست‌های دولت دارند. در دموکراسی‌های ضعیف دولت‌ها ناگزیر به دادن امتیاز و رانت هستند تا رأی بدست آورند. لذا، غالباً متغیر دموکراسی در مدل‌های تجربی اثر معناداری نشان نمی‌دهد که با مبانی نظری مطابقت ندارد. در نهایت، ضریب متغیر اندازه کشور $\log(CS)$ اثر معناداری بر اثر بخشی نهادهای دولتی نشان نمی‌دهد. از لحاظ نظری، با سطح مشخص تحصیلات و درآمد، هر چه میزان جمعیت یک کشور بیش‌تر باشد، منابع مالیاتی بیشتری فراهم می‌شود و نیروی کار بیش‌تری وجود خواهد داشت. از طرف دیگر، جمعیت بیش‌تر حکمرانی کارآمد را مشکل‌تر می‌کند و هر چه جمعیت بیش‌تر باشد، انتظارات و علایق متفاوت‌تری وجود خواهد داشت و احتمال وجود و دستیابی به اجماع نظر در خصوص مخارج و سیاست‌های عمومی، مالیات‌ها، منابع انسانی و در نهایت نهادها و فرایند اتخاذ و اجرای سیاست‌ها بسیار مشکل‌تر می‌شود. لذا نظر قطعی و مشخصی در رابطه با اثر اندازه کشور بر کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی به لحاظ

1. Harris (2007)

۲. شاخص "کیفیت سیاست‌های توسعه" از میانگین شاخص‌های "کنترل فساد" و "انحراف بودجه عمومی" و با استفاده از منابع اطلاعاتی "World Wide Governance Indicator" و "World Economic Forum" محاسبه گردیده است.

۳. اطلاعات و داده‌های مربوط به متغیر استقلال قوه قضائیه از منبع اطلاعاتی "World Economic Forum"، متغیر نوع دولت از منبع اطلاعاتی "Legatum Institute" و متغیر درجه باز بودن اقتصاد از "World Development Indicator" جمع‌آوری شده است.

وجود داشته باشد. در نتیجه همراه با باز شدن درهای اقتصاد و گسترش رقابت، تلاش برای کسب فرصت‌ها و امکانات از طرفی مانند رشوه و رانت‌جویی کاهش و در مقابل توجه به افزایش بهره‌وری و بهبود توان رقابت افزایش می‌یابد. مجموع این عوامل باعث کاهش فساد و بهبود قوانین و مقررات و در نهایت بهبود کیفیت سیاست‌های توسعه می‌گردد.

۵-۵ مدل پنجم: اثر انسجام اجتماعی بر ثبات سیاسی و اجتماعی

اثر شاخص انسجام اجتماعی بر ثبات سیاسی و اجتماعی با استفاده از مدل ملجکویک و ریمال^۱ (۲۰۰۸: ص ۲۴۵۴) برآورد می‌شود؛

$$\log(POLI) = f[\log(SC), \log(HC), AVEG, \log(DEMO), \log(TRAN)]$$

که در آن $\log(POLI)$ = لگاریتم ثبات سیاسی و اجتماعی^۲، $\log(SC)$ = لگاریتم انسجام اجتماعی، $\log(HC)$ = لگاریتم سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام در مقطع تحصیلات دانشگاهی)، $AVEG$ = متوسط نرخ رشد پنج سال گذشته، $\log(DEMO)$ = لگاریتم نوع دولت (درجه دموکراتیک بودن کشور) و در نهایت $\log(TRAN)$ = لگاریتم شفافیت در سیاست‌گذاری است.^۳

نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان در جدول شماره (۹) آورده شده است که بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش اثرات تصادفی می‌باشد. لذا نتایج برآورد مدل با روش اثرات تصادفی در جدول (۱۰) ارائه شده است.

همان‌طور که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود، ضریب متغیر انسجام اجتماعی $\log(SC)$ در سطح معنای کم‌تر از ۰.۰۰۵ معنادار است. به عبارت دیگر، یک درصد افزایش (کاهش) در

جدول (۷): نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان برای مدل چهارم

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
ضریب لاکرانژ	31.66	0.000	تأیید مدل اثر تصادفی در مقابل داده‌های تلفیقی

* برآورد تحقیق

جدول (۸): نتایج برآورد مدل چهارم (اثر انسجام اجتماعی بر کیفیت سیاست‌های توسعه)

سطح معناداری	آماره Z	ضریب	متغیر
0.006	2.72	0.10	$\log(SC)$
0.000	13.62	0.74	$\log(JUDI)$
0.000	4.20	1.54	$\log(DEMO)$
0.001	3.33	0.04	$\log(OPEN)$
0.000	-17.51	-0.99	C

R - sq = 0.76

* اثر انسجام اجتماعی بر کیفیت سیاست‌های توسعه در ۸۵ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ با روش رگرسیون داده‌های پانل (اثرات تصادفی) برآورد شده است.

ضریب متغیر استقلال قوه قضائیه $\log(JUDI)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، منجر به ۰.۷۴ درصد افزایش (کاهش) در کیفیت سیاست‌های توسعه می‌گردد. افزایش استقلال قوه قضائیه در کشورها، موجب افزایش شفافیت و کیفیت قوانین و مقررات، کاهش فساد، جلوگیری از رانت‌جویی و بهبود حاکمیت قانون در جامعه می‌گردد. تمامی موارد مذکور همراهی مثبت با عناصر تشکیل‌دهنده کیفیت سیاست‌های توسعه (کنترل فساد و انحراف در بودجه عمومی) دارند. ضریب متغیر نوع دولت $\log(DEMO)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش (کاهش) در شاخص دموکراسی، موجب ۱.۵۴ درصد افزایش (کاهش) در کیفیت سیاست‌های توسعه می‌گردد. در نهایت ضریب متغیر درجه باز بودن اقتصاد $\log(OPEN)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، موجب ۰.۰۴ درصد افزایش (کاهش) در کیفیت سیاست‌های توسعه می‌گردد. زیرا، هر چه موانع تجاری کم‌تر باشد، فرصت‌های کسب رانت و گسترش فساد کم‌تر می‌شود. فساد هنگامی افزایش می‌یابد که منابعی وجود داشته باشند که بتوان آن را به راحتی در جهت دلخواه هدایت کرد و قدرت صلاح‌دید لازم برای این کار نیز

1. Miljkovic & Rimal (2008)

۲. ثبات سیاسی و اجتماعی از میانگین شاخص "ثبات سیاسی" و "ثبات اجتماعی" و با استفاده از منابع اطلاعاتی "World Wide Governance Indicator" و "Institute Legatum" برآورد شده است.

۳. اطلاعات و داده‌های مربوط به متغیر شفافیت در سیاست‌گذاری از منبع اطلاعاتی "World Economic Forum"، متغیر نوع دولت از منبع اطلاعاتی "Index" و متغیرهای سرمایه انسانی و نرخ رشد از منبع اطلاعاتی "World Development Indicator" جمع‌آوری شده است.



انتخابات سنجیده می‌شود، در حالی که دموکراسی تنها به معنی انتخابات نیست. در حقیقت دموکراسی یک پدیده ذهنی است و نه فقط یک واقعیت عینی که در یک فرایند تدریجی و تاریخی شکل می‌گیرد. فرایندی که طی آن نه تنها سطح دانش و آگاهی سیاسی مردم بالا می‌رود، بلکه مردم در عمل با پذیرش تکثر افکار و عقاید، تحمل مخالف و احترام به حقوق دیگران آشنا می‌شوند (رنانی و مؤیدفر، ۱۳۹۰: ص ۱۶۸). اما سنجش این پیچیدگی‌ها بسیار دشوار است و لذا در مدل‌های تجربی رابطه مبهمی میان دموکراسی و متغیرهای کلان اقتصادی و سیاسی مشاهده می‌شود (شرلی، ۲۰۰۸: ص ۱۹۲-۱۹۰).

در نهایت، ضریب متغیر شفافیت در سیاست‌گذاری $\log(TRAN)$ نشان می‌دهد که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، موجب ۰.۳۰ درصد افزایش (کاهش) در ثبات سیاسی می‌گردد. شفافیت در سیاست‌گذاری، زمینه‌های مناسب نهادی را برای کنترل اشکال مختلف مخاطرات، بیان دیدگاه‌ها و حداقل کردن تنش‌های اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد.

۶-۵ ترکیب مدل اول تا پنجم: اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی

با توجه به آن‌که هر یک از پنج مؤلفه معرفی شده (در نمودار ۲)، ابعاد متفاوت توسعه را منعکس می‌کنند، پژوهش حاضر، بار دیگر اثر انسجام اجتماعی را بر هر یک از پنج مؤلفه تولید سرانه، نوآوری‌های فنی، اثربخشی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه و ثبات سیاسی و اجتماعی با استفاده از مدلی مشترک برآورد نموده است. برای این منظور، با تشکیل ماتریس همبستگی میان تمام متغیرهای مستقل مدل اول تا پنجم، متغیرهایی که کم‌ترین همبستگی را با یکدیگر داشته‌اند، به عنوان متغیر توضیحی مدل انتخاب شده‌اند (جدول ۱۱).

نتایج برآوردها با روش اثرات تصادفی^۱ در جدول (۱۲) ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اثر مثبت و

متغیر مذکور، منجر به ۰.۰۷ درصد افزایش (کاهش) در ثبات سیاسی و اجتماعی می‌گردد. هر چه انسجام اجتماعی در جامعه بیشتر باشد زمینه برای تضاد و تعارض و در نتیجه کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی و در نهایت بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی کم‌تر می‌شود.

جدول (۹): نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان برای مدل پنجم

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
ضریب لاکرانژ	40.85	0.000	تأیید مدل اثر تصادفی در مقابل داده‌های تلفیقی

* برآورد تحقیق

جدول (۱۰): نتایج برآورد مدل پنجم (اثر انسجام اجتماعی بر ثبات سیاسی و اجتماعی)

سطح معناداری	آماره Z	ضریب	متغیر
0.001	3.38	0.07	$\log(SC)$
0.000	4.37	0.05	$\log(HC)$
0.014	2.46	0.003	AVEG
0.182	1.33	0.25	$\log(DEMO)$
0.000	6.41	0.30	$\log(TRAN)$
0.000	-10.19	-0.38	C

R - sq = 0.57

* اثر انسجام اجتماعی بر ثبات سیاسی و اجتماعی در ۸۵ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ با روش رگرسیون داده‌های پانل (اثرات تصادفی) برآورد شده است.

ضریب متغیر سرمایه انسانی $\log(HC)$ و متوسط نرخ رشد پنج سال گذشته AVEG نشان می‌دهند که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیرهای مذکور، به ترتیب منجر به ۰.۰۵ و ۰.۰۰۳ درصد افزایش (کاهش) در ثبات سیاسی می‌گردد. سرمایه انسانی و رشد اقتصادی از طریق تأثیری که بر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و پیشرفت‌های تکنولوژیکی و همچنین کاهش فقر و محرومیت دارند، موجب کاهش تضادها و بی‌ثباتی سیاسی می‌گردند. ضریب متغیر نوع دولت $\log(DEMO)$ اثر معناداری بر ثبات سیاسی نشان نمی‌دهد. معنادار نشدن ضریب مذکور به نوع داده‌های متغیر نوع دولت (درجه دموکراتیک بودن کشور) مرتبط است. زیرا همان‌گونه که شرلی (۲۰۰۸: ص ۱۹۰) و نورث و همکاران (۲۰۰۹: ص ۶۵) بیان می‌کنند، در تعیین نوع دولت‌ها ابهام وجود دارد. غالباً دموکراسی بر حسب وجود

۱. نتایج حاصل از آزمون بروش پاگان بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش اثرات تصادفی در هر پنج مدل می‌باشد.

است. به گونه‌ای که، یک درصد افزایش در انسجام اجتماعی منجر به ۰.۰۴ درصد افزایش تولید سرانه، ۰.۱۴ درصد افزایش در نوآوری‌های فنی، ۰.۱۳ درصد افزایش در اثربخشی نهادهای دولتی، ۰.۰۹ درصد افزایش در کیفیت سیاست‌های توسعه، و در نهایت ۰.۰۷ درصد افزایش در ثبات سیاسی و اجتماعی می‌گردد.

معنادار انسجام اجتماعی $\log(SC)$ بر هر یک از پنج مؤلفه توسعه اقتصادی در سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ رد نمی‌شود. بدین ترتیب، بار دیگر برآوردها حاکی از اثر مثبت و معنادار انسجام اجتماعی بر هر یک از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی (تولید سرانه، اثربخشی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه، نوآوری‌های تکنولوژیکی و ثبات سیاسی و اجتماعی)

جدول (۱۱): ماتریس همبستگی متغیرهای مستقل

	SC	HC	RD	CF	DEMO	OPEN	POP	JUDI	TRAN	UN	AVEG
SC	1										
HC	0.52	1									
RD	0.74	0.64	1								
CF	-0.16	-0.2	-0.2	1							
DEMO	0.43	0.43	0.33	-0.31	1						
OPEN	0.21	0.18	0.1	0.61	0.56	1					
POP	-0.08	-0.14	0.02	0.45	-0.19	0.23	1				
JUDI	0.59	0.36	0.77	-0.11	0.25	0.12	0.03	1			
TRAN	0.4	0.21	0.59	-0.11	0.14	0.02	0.03	0.82	1		
UN	-0.14	-0.2	-0.2	-0.04	0.06	0.01	-0.09	-0.08	-0.06	1	
AVEG	-0.34	-0.26	-0.4	0.59	-0.35	0.2	0.39	-0.39	-0.34	-0.14	1

* برآورد تحقیق.

جدول (۱۲): نتایج برآورد اثر انسجام اجتماعی بر هر یک از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی

متغیر وابسته	$\log(GDPPC)$	$\log(INOV)$	$\log(GOVEF)$	$\log(DEV)$	$\log(POLI)$
متغیر مستقل	(1)	(2)	(3)	(4)	(5)
$\log(SC)$	***0.04	0.14*	0.13*	0.09**	0.07*
$\log(HC)$	0.09*	0.12*	0.08*	0.12*	0.04*
$\log(DEMO)$	0.21	0.82***	0.72***	1.44*	0.14
AVEG	0.009*	0.007*	0.009*	0.004	0.004**
$\log(TRAN)$	0.21*	0.48*	0.94*	1.16*	0.29*
$\log(POP)$	-0.10	0.05*	-0.005	-0.005	-0.02**
$\log(UN)$	-0.003	-0.19	0.01	0.02	-0.01
C	4.06*	-1.24*	-0.94*	-1.31*	-0.23*
R - sq	0.35	0.64	0.75	0.77	0.58

* سطح معنای ۰.۰۱، ** سطح معنای ۰.۰۱ و *** سطح معنای ۰.۰۵

اثر انسجام اجتماعی بر پنج مؤلفه توسعه اقتصادی (تولید سرانه، نوآوری‌های فنی، اثربخشی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه و ثبات سیاسی و اجتماعی) در ۸۵ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ با روش رگرسیون داده‌های پانل (اثرات تصادفی) برآورد شده است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

تغییر و اصلاح نهادهاست. مسئله اساسی در این میان، این است که محدودیت‌های اجتماعی عمده در کشورهای در حال توسعه مانع از اصلاحات نهادی و ظهور نهادهای کارآمد در این جوامع می‌شود. همین امر ضرورت توجه به انسجام اجتماعی را در تبیین توسعه اقتصادی جوامع موجب شده است.

اقتصاد نهادی به عنوان مهم‌ترین مکتب دگراندیش در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. به عقیده نهادگرایان، ضعف، فقدان یا فساد نهادها ریشه‌های توسعه نیافتگی هستند و دستیابی به توسعه پایدار منوط به



در این مقاله تلاش شد تا مفهوم انسجام اجتماعی و نقش آن در توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. انسجام اجتماعی به عنوان وضعیتی که چگونگی تعامل و به هم پیوستگی جامعه را نشان می‌دهد، نتیجه تعامل پویا و متقابل سرمایه اجتماعی از یک طرف و عدم نابرابری و محرومیت اقتصادی و اجتماعی از طرف دیگر شناخته شد. با افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش نابرابری و محرومیت در توزیع فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، بافت اجتماعی منسجمی شکل می‌گیرد که در آن، تار و پود جامعه از طریق شبکه‌های ارتباطی، هنجارها و اعتماد به هم پیوند می‌یابد و نهادهای متنوعی را در ارتباط با همکاری و هماهنگی میان اعضای جامعه و تسهیل حل تعارض میان علایق و منافع متفاوت ایجاد می‌کند. چنین جامعه‌ای، به علت مشارکت گسترده مردم در حوزه‌های متفاوت، محدود شدن سهم قدرت، و واگذاری بخشی از تصمیم‌گیری‌ها به آحاد جامعه، می‌تواند به محیط اجتماعی و سیاسی باثبات، نهادهای کارآمد، هماهنگی و هم‌سویی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، توجه بیش‌تر به برنامه‌ریزی حول محور بهره‌وری و کارایی، تدبیر شایسته امور و در نهایت رشد و توسعه پایدار دست یابد.

در پژوهش حاضر، به منظور تخمین میزان انسجام اجتماعی و بررسی نقش آن در توسعه اقتصادی جوامع، نهادهای و ستادهای یک جامعه منسجم در قالب الگویی تجربی تبیین گردید. سپس با استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی، اثر شاخص انسجام اجتماعی بر ابعاد متفاوت توسعه اقتصادی (تولید سرانه، نوآوری‌های فنی، اثربخشی نهادهای دولتی، کیفیت سیاست‌های توسعه و ثبات سیاسی و اجتماعی) مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور از داده‌های ۸۵ کشور منتخب توسعه یافته و در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ استفاده گردید.

اثر انسجام اجتماعی بر هر یک از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی هم در مدل‌های مجزا و هم در مدلی مشترک برای هر پنج مؤلفه توسعه اقتصادی برآورد گردید. نتایج برآورد اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی در مدل‌های مجزا نشان می‌دهد یک درصد افزایش در انسجام اجتماعی منجر به ۰.۰۶

درصد افزایش تولید سرانه، ۰.۰۷ درصد افزایش در نوآوری‌های فنی، ۰.۱۴ درصد افزایش در اثربخشی نهادهای دولتی، ۰.۱۰ درصد افزایش در کیفیت سیاست‌های توسعه و در نهایت ۰.۰۷ درصد افزایش در ثبات سیاسی و اجتماعی می‌گردد. نتایج برآورد مدل مشترک نشان می‌دهد یک درصد افزایش در انسجام اجتماعی منجر به ۰.۰۴ درصد افزایش تولید سرانه، ۰.۱۴ درصد افزایش در نوآوری‌های فنی، ۰.۱۳ درصد افزایش در اثربخشی نهادهای دولتی، ۰.۰۹ درصد افزایش در کیفیت سیاست‌های توسعه، و در نهایت ۰.۰۷ درصد افزایش در ثبات سیاسی و اجتماعی می‌گردد.

یافته‌های این مطالعه حاکی از اثر مثبت و معنادار انسجام اجتماعی (بر مبنای ترکیب دو مؤلفه سرمایه اجتماعی و نابرابری در توزیع فرصت‌ها) بر ابعاد متفاوت توسعه اقتصادی است. این درحالی است که در مطالعات گذشته شاخص انسجام اجتماعی با رویکردی محدودتر و تنها بر نرخ رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته بود. بدین ترتیب، ساختن جامعه‌ای منسجم وظیفه مهمی برای سیاست‌مداران کشورهای درگیر با معضل توسعه خواهد بود. از طرف دیگر، با توجه به آن که شکل‌گیری، انباشت و نهادینه شدن انسجام اجتماعی در هر جامعه متأثر از عوامل و فرایندهای متعددی، طی دوره‌های متفاوت است و همچنین با توجه به متفاوت بودن پیشینه و تاریخ هر کشور، از نظر اجرایی و سیاستی، نمی‌توان توصیه یکسانی جهت ارتقای انسجام اجتماعی در تمامی جوامع ارائه نمود. به ویژه آن که انسجام اجتماعی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن در یک فرایند چرخه‌ای یکدیگر را تقویت می‌کنند و در طول زمان وابستگی به مسیر را سبب می‌گردند. در عین حال، طبق یافته‌های پژوهش حاضر، بسط و گسترش سرمایه اجتماعی همراه با رفع تبعیض و نابرابری در دسترسی به انواع امکانات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌تواند به گسترش انسجام اجتماعی در جوامع بیانجامد. در این میان توجه به این نکته بسیار مهم است که حتی در صورتی که سرمایه اجتماعی همراه با افزایش شعاع اعتماد در سطوح مختلف جامعه در مقاطعی افزایش یابد، عدم توجه به فقر و نابرابری می‌تواند منجر به تخریب سرمایه اجتماعی و در نهایت

است به گونه‌ای که تمام آحاد جامعه از درآمد کافی برای تأمین معاش، سلامت و امنیت خود و خانواده‌شان برخوردار باشند. در عین حال، این مسئله نیز صحت دارد که سیاست‌های مذکور متغیر مستقلی نیستند و خود تحت سلطه فضای نهادی قرار دارند و کارایی یا ناکارایی آن‌ها را همان فضای نهادی تعیین می‌کند که انتظار می‌رود هادی آن‌ها باشد.

تضعیف انسجام اجتماعی گردد. از طرف دیگر، سیاست‌هایی که کاهش فقر را در پی دارند، لزوماً به کاهش نابرابری‌ها به ویژه نابرابری در توزیع فرصت‌ها نمی‌انجامند. همچنین، توزیع درآمدهای پولی نمی‌تواند اثرات قابل توجهی در کاهش نابرابری‌ها داشته باشد و حتی ممکن است اثرات نامطلوبی نیز به همراه داشته باشد. آنچه که لازم است، ایجاد تغییرات اساسی در شرایط زندگی و کار در کشورهای در حال توسعه

منابع

نظری، "مجله علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره (۲۱)، ۱۵۱-۱۳۳.

زاهدی، جواد؛ شیانی، ملیحه و علی پور، پروین (۱۳۸۸)، "رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره نهم، شماره (۳۲)، ۱۲۹-۱۰۹.

سوری، علی (۱۳۸۳)، "سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره (۶۹)، ۱۰۸-۸۷.

شرلی، مری (۱۳۸۷)، "نهادها و توسعه"، ترجمه زهرا فرضی‌زاده، دوفصلنامه برنامه و بودجه، شماره (۱۰۷)، ۲۱۵-۱۶۵.

شیرخانی، محمدعلی و واسعی‌زاده، نسیم‌سادات (۱۳۹۰)، "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای ایران و کره جنوبی"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل و یکم، شماره (۲) ۲۳۲-۲۱۲.

صادقی، حسین؛ ملکی، بهروز؛ عساری، عباس و محمودی، وحید (۱۳۹۲)، "تحلیل فازی رابطه اعتماد اجتماعی با توسعه انسانی"، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره سوم، شماره (۱۲)، ۲۰-۹.

عطار، سعید (۱۳۸۸)، "سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دولت: عناصر دستیابی به توسعه"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره سی و نهم، شماره (۳۴)، ۱۲۹-۱۴۶.

علمی، زهرامیلا؛ شارع پور، محمود و حسینی، امیرحسین (۱۳۸۴)، "سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره (۷)، ۲۹۶-۲۳۹.

امیری، میثم و رحمانی، تیمور (۱۳۸۵)، "بررسی آثار سرمایه اجتماعی درون و بیرون گروهی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران"، دوفصلنامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی، دوره سوم، شماره (۶)، ۱۱۱-۱۵۲.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، "سرمایه اجتماعی؛ اعتماد، دموکراسی و توسعه"، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان. تهران، انتشارات شیرازه.

تشکر، زهرا و معینی، محمدرضا (۱۳۸۱)، "نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره اول، شماره (۴)، ۲۵-۴۲.

حسینی، امیرحسین؛ علمی، زهرامیلا و شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶)، "رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز استان‌های کشور"، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره هفتم، شماره (۲۶)، ۸۴-۵۹.

رحمانی، تیمور؛ عباسی‌نژاد، حسین و امیری، میثم (۱۳۸۶)، "بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران: مطالعه موردی استان‌های کشور با روش اقتصادسنجی فضایی"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، دوره ششم، شماره (۲)، ۳۰-۱.

رنانی، محسن و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۸۷)، "سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای استان‌های ایران"، فرآیند مدیریت و توسعه، شماره (۶۸)، ۸۰-۱۰۶.

رنانی، محسن و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۹۰)، "چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد"، تهران، انتشارات طرح نو.

رنانی، محسن؛ عمادزاده، مصطفی و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۸۵)، "سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی: ارائه یک الگوی



مؤیدفر، رزیتا؛ اکبری، نعمت‌الله و دلیری، حسن (۱۳۸۸)، "اثرات متقابل و پویای سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی (مطالعه موردی ایران ۱۳۶۱-۱۳۸۵)", مطالعات اقتصاد بین‌الملل، دوره بیستم، شماره (۳۵)، ۳۸-۲۱.

نجارزاده، رضا و سلیمانی، محمد (۱۳۹۱)، "سرمایه اجتماعی، درآمد و رفاه فردی (مطالعه موردی ایران)", مجله تحقیقات اقتصادی، دوره چهل و هفتم، شماره (۲)، ۱۹۳-۱۷۷.

Acket, S., Borsenberger, M., Dickes, P., and Sarracino, F. (2011), "Measuring and Validating Social Cohesion: A Bottom-Up Approach" Fonds National de la Recherche, CEPS/Instead Working Paper, No.08, pp.1-31.

Adda, H. D. (2007), "Divergent Effect of Social Cohesion on Economic Growth in East Asia and Latin America", Honors Theses, Retrived from <http://digitalcommons.colby.edu/honorstheses/71>.

Alesina, A., Devleeschauwer A., Easterly, W., Kurlat, S., and Wacziarg, R. (2003), "Fractionalization", Journal of Economic Growth, 8(2), pp. 155-194.

Amiri, M. and Rahmani, T. (2006), "Effect of Bonding and Bridging Social Capital on Economic Growth of Iran's Provinces", Journal of Economic Essays, 3(6), pp.111-152.

Attar, S. (2009), "Social Capital, Civil Society and Government: Elements of Achieving Development", Journal of Economic Research, 39(34), pp.129-146.

Avramov, D. (2002), "People, Demography, and Social Exclusion", Strasbourg, Belgium: Council of European Publishing.

Baltagi, B.H. (2005), "Econometric Analysis of Panel Data", Great Britain. John Wiley & Sons Ltd.

Barros, R., Ferreira, F.H., Vega, J.M. and Chanduvi, J.S. (2009), "Measuring Inequality of Opportunities", The World Bank, Washington, D.C.

Berger-Schmitt, R. (2000), "Social Cohesion as an Aspect of the Quality of Societies: Concept and Measurement", Center for Survey Research and Methodology, EU Reporting Working Paper, No.14.

Bernard, P. (1999), "Social Cohesion: A

قاسمی، وحید؛ ادیبی‌سده، مهدی؛ آذربایجانی، کریم و توکلی، خالد (۱۳۸۹)، "رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره دهم، شماره (۳۶)، ۶۰-۲۷.

کریمی موغاری، زهرا؛ ابونوری، اسمعیل و زبیری، هدی (۱۳۹۰)، "بررسی نقش انسجام اجتماعی در توسعه اقتصادی"، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، دوره شانزدهم، شماره (۴)، ۲۱۴-۱۸۳.

Critique", Canadian Policy Research Networks: Ottawa, CPRN Discussion Paper, No.09.

Commons, J.R. (1931), "Institutional Economics", American Economic Review, 21, pp. 648-657.

Doh, S. and Acs, Z.J. (2011), "Innovation and Social Capital: A Cross-Country Investigation", Industry and Innovation, 17(3), pp. 241-262.

Easterly, W. (2006), "Social Cohesion, Institution and Growth", Economics and Politics, 18(2), pp. 103-120.

Ehrlich, I. (1973), "Crime, Punishment, and the Market for Offenses", The Journal of Economic Perspectives, 10(1), pp. 43-67.

Elmi, Z.M., Sharepour, M. and Hoseini, A.H. (2005), "Social Capital and it's Effects on Economy", Journal of Economic Research, 7, pp. 239-296.

Evans, P. (2005), "Interdisciplinary Approaches to Development; The Institutional Turn", in A. Krishna Dutt & Jaime Ros(eds.), International Handbook of Development Economics, pp. 68-82. Edward Elgar.

Ferroni, M., Mercedes, M., and Mark, P. (2008), "Development under Conditions of Inequality and Distrust: Social Cohesion in Latin America", International Food Policy Research Institute, Discussion Paper, No. 00777.

Foa, R. (2011), "The Economic Rational for Social Cohesion; A Cross Country Evidence", Paper Presented at the International Conference on Social Cohesion and Development, OECD, Paris, Retrived from <https://www.oecd.org/dev/pgd/46908575.pdf>

Gardner, H. (2005), "Multiple Lenz on the Mind", Harvard Graduate School of Education, Cambridge, MA 02138.

- Ghasemi, V., Adibi Sadeh, M., Azarbajejani, K. and Tavakoli, Kh. (2010), "The Relation of Social Capital and Economic Development", *Social Welfare Quarterly*, 10(36), pp. 27-60.
- Glaeser, E., Laibson, D. and Sacerdote, B. (2002), "An Economic Approach to Social Capital", *The Economic Journal*, 112, pp.437-458.
- Harris, D. (2007), "Bonding Social Capital and Corruption: A Cross-National Empirical Analysis", *Environmental Economy and Policy Research Discussion Paper Series*, No.27.
- Hoseini, A.H., Elmi, Z.M. and Sharepour, M. (2007), "Ranking Social Cohesion in Iran's Provinces", *Social Welfare Quarterly*, 7(26), pp. 59-84.
- Jeannotte, M.S. (2003), "Social Cohesion: Insights from Canadian Research", University of Hong Kong and the Strategic Research and Analysis Directorate.
- Jeannotte, M.S. (2000), "Social Cohesion around the World: An International Comparison of Definitions and Issues", Ottawa: Strategic Research and Analysis Directorate, Department of Canadian Heritage.
- Jensen, J. (1998), "Mapping Social Cohesion", The Strategic Research and Analysis Directorate, Department of Canadian Heritage, Ottawa.
- Karimi Moghari, Z., Abounoori, E. and Zobeiri, H. (2011), "The Role of Social Cohesion in Economic Development", *Journal of Planning and Budget*, 16(4), pp. 183-214.
- Knack, S. (2002), "Social Capital and Quality of Government: Evidence from the State", *American Journal of Political Sciences*, 46(4), pp.772-785.
- Miljkovic, D. and Rimal, A. (2008), "The Impact of Socio-Economic Factors on Political Instability: A Cross-Country Analysis", *The Journal of Socio-Economics*, 37(8), pp.2454-2463.
- Moaiedfar, R., Akbari, N. and Daliri, H. (2009), "Interacted and Dynamic Effects between Social Capital and Economic Development: The Case of Iran (1989-2006)", *International Economic Studies*, 20(35), pp. 21-38.
- Musai, M., Abhari, M. and Garshasbi, F.S. (2011), "Effect of Social Capital on Economic Growth; International Comparison", *American Journal of Scientific Research*, 16(11), pp.107-116.
- Myrdal, G. (1978), "Institutional Economics", *Journal of Economic Issue*, 12(4), pp. 771-783.
- Najarzadeh, R. and Soleimani, M. (2012), "Social Capital, Income and Individual Welfare: The Case of Iran", *Journal of Economic Research*, 47(2), pp. 177-193.
- North, D.C. (2005), "Understanding the Process of Economic Change", Princeton University Press.
- North, D.C. (2000), "The New Institutional Economics and Third World Development", in Haris J., Hunter J. & Lewis C. (eds.), *The New Institutional Economics and Third World Development*, pp.215-233, London: Routledge.
- North, D.C., Joseph, J.W. and Barry, R. (2009), "Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History", Cambridge University Press.
- Offe, C. (1996), "How Can We Trust Our Fellow Citizen", *Democracy and Trust*, 199, pp.42-87.
- Ostrom, E. (2007), "Challenges and Growth: the Development of the Interdisciplinary Field of Institutional Analysis", *Journal of Institutional Economics*, 3(3), pp.239-264.
- Oxoby, R. (2009), "Understanding Social Inclusion, Social Cohesion and Social Capital", University of Calgary Economic Research Paper, No. 09.
- Rahmani, T., Abbasinejad, H. and Amiri, M. (2007), "Investigation of Social Capital Effect on Economic Growth of Iran; Case study of Provinces Using Spatial Econometrics", *Scientific Research Quarterly*, 6(2), pp.1-30.
- Renani, M. and Moaiedfar, R. (2008), "Social Capital and Economic Performance: Comparative Study of Iran's Provinces", *Management and Development Process*, 68, pp.80-106.
- Renani, M. and Moaiedfar, R. (2011), "Cycle of Decline in Ethic and Economics", Tehran, Tarheno Publications.
- Renani, M., Emadzadeh, M. and Moaiedfar, R. (2006), "Social Capital and Economic Growth; A Presentation of Theoretical Pattern", *Journal of Humanities Research*, University of Esfahan, 21(2), pp.133-151.
- Ritzen, J. (2001), "Social Cohesion, Public Policy and Economic Growth: Implications for OECD Countries", in J. Hellwel (ed.), *The Contribution of Human and Social Capital to*



Sustained Economic Growth and Well-being, pp.297-318, Human Resource Development, Canada, Ottawa.

Rodrik, D. (1999), "Where Did All Growth Go; External Shocks, Social Conflicts and Growth Collapses", *Journal of Economic Growth*, 4(4), pp.385-412.

Rodrik, D. (2000), "Institutions for High Quality Growth: What They are and How to Acquire Them", National Bureau of Economic Research, Working Paper Series, No. 7540.

Sadeghi, H., Maleki, H.B., Asari, A. and Mahmudi, V. (2013), "Fuzzy Analysis of Relationship between Social Trust and Human Development", *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 3(12), pp. 9-20.

Sherly, M. (2008), "Institutions and Development", Translated by Farzizadeh, Z., *Journal of Planning and Budget*, No.107, pp.165-215.

Shirkhani, M.A. and Vaseizadeh, N.S. (2011), "Social Capital and Economic Development: Comparative Study of Iran and South Korea", *Politics Quarterly*, 41(2), pp.213-232.

Souri, A. (2004), "Social Capital and Economic Performance", *Journal of Economic Research*, 69, pp.87-108.

Swaine, T.D. (1952), "Experiences in Interdisciplinary Research", *American Sociological Review*, 17(6), pp. 663-669.

Tajbakhsh, K. (2005), "Social Capital, Trust, Democracy and Development", Translated by Khakbaz, A. and Pooyan, H., Tehran, Shirazeh Publications.

Tashakor, Z. and Moeini, M.R. (2002), "Take a

Look at Social Capital and Development", *Social Welfare Quarterly*, 4(1), pp.25-42.

Torres-Reyna, O. (2010), "Panel Data Analysis Fixed & Random Effects", Princeton University.

Vercelli, F. (2010), "The Evolution of Inequality and Social Cohesion in Europe", Retrieved from <http://ssrn.com/abstract=1922413> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1922413>.

Williamson, O.E. (1998), "The Institutions of Governance", *The American Economic Review*, 88(2), pp. 75-79.

Woolcock, M. (2011), "What Distinctive Contribution Can Social Cohesion Make to Development Theory, Research and Policy", Paper Presented at International Conference On Social Cohesion and Development, 20-21 January 2011, OECD Center Conference, Paris.

World Development Indicator (WDI), World Data Bank, Retrieved from <http://data.worldbank.org/data-catalog/world-development-indicators>

World Development Report (2011), Conflict, Security and Development, The World Bank, Washington, DC.

World Economic Forum, The Global Competitiveness Report. Retrieved from <http://www.weforum.org/issues/global-competitiveness>

World Wide Governance Indicator, (WGI), World Data Bank, Retrieved from <http://databank.worldbank.org/ddp/home.do?Step=1&id=4>

Zahedi, J. Sheiani, M. and Alipour, P. (2009), "The Relation of Social Capital and Social Welfare", *Social Welfare Quarterly*, 9(32), pp.109-129.